

بیانیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت بزرگداشت چهل و دومین سالگرد تشکیل حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران

در صفحه ۸

سیاست ضد توده‌های و شوروی ستیزانه روی دیگرسکه همکاری با امپریالیسم آمریکا

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، اقدامات تهاجمی خود را در جهان، منطقه ایران شدت می‌بخشد. حلقه‌های زنجیر محاصره آمریکا، بر گرد کشورهای که "بحد مطلوب" بر سیاست اقتصادی - سیاسی آن گسردن نهاد مانده و یا بکلی بند های وابستگی امپریالیسم را از دست و پای خود گسسته‌اند، تنگ تر می‌شود.

مجریان سیاست تشنج فزاینده امپریالیسم آمریکا، روزی اعلام کردند، که تشکیل "سپاه واکنش سریع" نه بخاطر تحمیل هزینه گزاف آن به "شهروندان آمریکائی"، بلکه به دلیل حفظ "منافع حیاتی" آمریکا در اقصی نقاط عالم است و امروز، با اعزام آن به کشور انقلابی گرنادا و سرکوب خونین انقلاب آن کشور، در جامه "عمل گفته" خود را سندیت بخشیدند.

همین "مجریان"، به پیروی از سیاست تجاوز گرانه آمریکا، و به بهانه "حفظ استقلال نیکاراگوئه" تعدادی هواپیمای نظامی در هندوراس و کستاریکا متمرکز ساخته‌اند تا از آنجا، مراکز مهم استراتژیک آن کشور را بمباران کنند و حکومت انقلابی نیکاراگوئه را براندازند!

بقیه در صفحه ۱۱

راه توده

شهره‌ها در حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۲ آبان ۱۳۶۲ مطابق
۴ نوامبر ۱۹۸۳
سال دوم، شماره ۶۶
هفتاد و دو هزار

حاودان باد خاطرۀ تابناک دومین گروه افسران شهید توده‌ای!

در صفحه ۷

بزرگ مالکان و فئودال‌ها باز گشته‌اند...

با حفظ و گسترش تشکلهای دهقانی، باید به مبارزات دهقانی بعد و گسترش قازهای بخشید!

مسائل کشاورزی و مشکلات و خواسته‌های روستائیان از قبیل کمبود تولید، تبدیل مزارع بار-آور به زمینهای بی حاصل، پائین بودن سطح زیر کشت مواد غذایی روزمره مردم، کوچهای بی برنامه گسترده روستائیان به شهرها، تراکم حلیبی آبادها "و" حصر آبادها "و" در حاشیه شهرها، کمبود مسکن، کمبود نان، نبود برق،

بقیه در صفحه ۶

با اینکه "محور اصلی" برنامه پنجساله دولت را "کشاورزی" تشکیل می‌دهد، این رکن مهم و حیاتی اقتصاد و مسائل مربوط به آن که با زندگی و معیشت میلیونها روستایی سرزمین ما پیوند دارد، همچنان در سایه قرار دارد. مشکلات و نابسامانیهایی که این "عدم توجه" به جامعه بحران زده ما تحمیل کرده، از حد فزون است. آثار مستقیم و تبعی "حذف"

انتخابات "اصلاح"

راستگرایان و پرچمداران سازش، جوخفقان حاکم بر ایران را برای برگزاری یک انتخابات تشریف آماده می‌یابند

چند ماه پیشتر به پایان دوره اول مجلس شورا باقی نمانده است. به همین علت نیز "داد و ستد" کاسبکارانه و پیشنهاد "ائتلاف و اتفاق" از هر سو به عنصر مستمر نطق‌ها، خطبه‌ها و "بیانات" تبدیل شده است.

راستگرایان و پرچمداران سازش با کلان-سرمایهداری و بزرگ مالکی در حاکمیت، جوخفقان حاکم بر مین ما را آنچنان آماده می-بینند، که قند در دلشان برای انتخابات "شیرین" آب شده است. آنرا همانطور که آقای رئیس جمهور در خطبه نماز جمعه ۶ آبان اعلام کرده، بر زبان می‌آورند.

سرکوب حزب توده ایران و دیگر نیروهای ضد امپریالیست، منکوب کردن دیگر نیروهای دگر اندیش، بریدن هر زبان منتقدی و برقرار-سازی جو وحشت و ارباب، برای حامیان کلان-سرمایهداری و بزرگ مالکی و سازشکاران بی‌رمق و دنباله رو آنها به درجه اطمینانی رسیده است که آقای رئیس جمهور می‌تواند "به عنوان یک مسئول در حزب" (در پاسخ) به امام " (که بمنظور تخم کردن "اختلافات"، انتخاب "غیر حزبی" ها را هم برای نمایندگی مجلس طلب کرده بود) عرض کند: آنها آماده هستند یک انتخابات با سالم ترین و بقیه در صفحه ۱۴

سخنان مارک آلن، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا در دفاع از حزب توده ایران

های در بند و افشای جنایات حکومت ج ۱۰۱۰ در سانفرانسیسکو تشکیل شده که طی آن، از جمله رفیق مارک آلن، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بقیه در صفحه ۳

همچنان که در گزارش مندرجه در "راه" شماره ۶۲ آمده است، در تاریخ ۲۱ اوت (۳۰ مرداد ماه)، جلسهای بعنوان همبستگی با زندانیان توده‌های و سایر دمکرات

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

پیت
از گوی ایران
صفحه ۸

بزرگه
آمریکا

ن شدت می بخشد
ی آن گردن

مرداد
ن تأملی
ای در مورد
بید هست،
بران، باز

داشت هزاران تن از اعضای آن و نیز سایه
نیروهای مرفی و شکنجه و آزار آنان، در رابطه
با چرخش به راست حکومت چ ۱۰، بررسی
شده و اعمال سیاست ضدشهری و کمونیسم-
ستیزی حاکمیت، بمنظور صاف کردن جاده برای
نفوذ مجدد امپریالیسم در کشور ارزیابی شده
است .

● روزنامه مجانا یوگوم که بزبان مالایالام منتشر
می گردد، در تاریخ بیست و هشتم سپتامبر (۶
مهرماه) مقاله ای تحت عنوان " انقلاب ایران به
سمت ناپودی می رود " ، بچاپ رسانیده که طی
آن به بررسی تحلیلی سیر انقلاب، نبرد طبقاتی
در بطن جامعه ایران، پیروزی راستگرایان در
حاکمیت و سازش تسلیم طلبان پرداخته است و
در این رابطه موج بازداشتی که بپوشه اعضای
حزب توده ایران، تشکیلات دمکراتیک
زنان ایران و سایر نیروهای مرفی ضد امپریالیست
را هدف قرار داده و شکنجه های وحشیانه ای
که در حق این مبارزین اعمال می شود، شدیداً
محکوم نموده است .

سوئد

نهمین فستیوال سازمان جوانان کمونیست
یونان، در تاریخ ۱۶ اکتبر (۲۴ مهرماه) در
استکهلم، اقدام به صدور قطعنامه ای به شرح
زیر نموده است :

" سرکوب وحشیانه جنبش حقیقی میهن-
پرستان ایران - حزب توده ایران هم -
چنان با خشن ترین متدها ادامه دارد .
" جرم " حزب توده ایران این است که
در خلال تاریخ ۴۲ ساله اش، همواره راسخترین
نیرو در حمایت از استقلال، آزادی و عدالت
اجتماعی برای ایران بوده است، مجازات چ ۱۰
برای این " جرم "، زندان، شکنجه و اعدام
است .

مسئولین چ ۱۰۱۰ به کمک سازمان " سیا "
و بکار گرفتن مأمورین ساواک شاه، سعی می کنند
از طریق اعمال شکنجه های جسمی و روحی،
قربانیان خود را وادار به " اعتراف به جرمی "
نمایند که هیچگاه مرتکب نشده اند - سازمان
جوانان حزب کمونیست یونان در سوئد، ضمن
اعلام پشتیبانی کامل خود از حزب توده
ایران، رفتار بربرمشانانه و اعمال شکنجه های
وحشیانه در مورد هزاران زندانی تودهای و سایر
مبارزین ضد امپریالیست و مرفی در بندار شدیداً

بهای دربند، همچنان در دستور روز وظایف نها و کانونهای مرفی و پیشرو قرار دارد!

محکوم می نماید و اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و
حقوق دانان را به ایران، جهت بررسی وضع
زندانیان و تشکیل دادگاههای علنی با نظارت
بین المللی را برای آنان، خواستار است .
متن قطعنامه، به آدرس سفارت چ ۱۰۱۰ در
سوئد نیز ارسال گردیده است .

● روزنامه " گوته برگ، چاپ سوئد، در تاریخ ۲۸
سپتامبر (۶ مهرماه)، اقدام به درج گزارش
" سازمان عفو بین المللی " از لندن نموده است
گزارش حاکی از نگرانی شدید این سازمان در مورد
رویدادهای اخیر ایران و بویژه شکنجه و آزار
زندانیان سیاسی است. عدم رعایت موازین

حقوق بشر و رفتار وحشیانه ای که در مورد
زندانیان درگاندیش اعمال می شود، اعدامهای
بی رویه و شکنجه های وحشیانه ای که منجر به مرگ
آنان می شود، " سازمان عفو بین المللی " را بر
آن داشته است که ضمن افشای جنایات حاکمیت
چ ۱۰۱۰، توجه محافل دمکراتیک را به این بی-
قانونی ها هر چه بیشتر جلب کرده و دولت ایران
را به رعایت ابتدائی ترین حقوق زندانیان فسرأ
خواند .

● " حزب کمونیستهای چپ سوئد - سازمان
ایالتی شمال "، در تاریخ ۲۲ سپتامبر، (۳۱
بقیه در صفحه ۷

باجبور کردن گالیله به " استغفار "، زمین از گردش به دور خورشید باز نایستاد و سرانجام آفتاب حقیقت سرازیس ابر برد آورد

بیست و سه سازمان و حزب مرفی هندی و
خارجی، طی صدور اعلامیه ای، حملات ددمنشانه
حاکمیت چ ۱۰، به حزب توده ایران را
محکوم کردند .
در این اعلامیه، ضمن بررسی علل بیورش به حزب و
به بند کشیدن هزاران تن از اعضای آن، رفتار
وحشیانه با آنان، با اعمال شکنجه گران قرون
وسطایی که ضد علم و فرهنگ و پیشرفت بشریست
بودند، مقایسه شده و از جمله آمده است :

" در قرون وسطی هزاران تن را تحت
لواهی مذهب، زنده زنده در آتش سوزاندند و
گالیله را نیز بهمین عنوان، به " استغفار " از
گناه علم و دانشش و نفی گردش زمین واداشتند
و کوشیدند تا از نفوذ علم و اندیشه علمی جلو-
گیری کنند، غافل از آنکه واقعیت پنهان شدنسی
نیست .

امروز نیز، فرزندان خلف این جلادان، از
مأمورین " سیا " و " انتلیجنت سرویس " گرفته
تا دوخمیان " ساواک " که به خدمت آستان
پوسان سرمایه درج ۱۰ در آمده اند، مبارزین
راه صلح و عدالت اجتماعی و پیروزی بشریت را
در ایران، تحت شکنجه های وحشیانه، وادار به
" استغفار " می کنند، تا به زعم خویش، نشان
دهند مارکسیسم و اندیشه علمی به " بن بست "
رسیده است، غافل از آنکه با این اعمال، صرفاً
ماهیت ضد علمی و ضد بشری خود را عیان می-
سازند .

ما سازمانهای زیر، که در طول موجودیت
خویش، شاهد ستم اربابان سرمایه در حق
همزمانان در سراسر جهان، بوده ایم، ایمان
داریم که این قساوتها در حق مبارزین ایرانی،
به سیاه روزی جلادان منجر خواهد شد و مردم
قهرمان ایران، با برخورداری از همبستگی
جهانی، از پس امروز، فردائی خواهند ساخت

فارغ از هر گونه ستم طبقاتی، و قضاوت اینهمه بی-
عدالتی و زورگویی را از مجرایان آن، باز خواهند
ستانند . ما تنفر و انزجار شدیدی خود را از اعمال
بی رویه حکومت چ ۱۰، ابراز نموده و همصدای
با مردم ایران و جهان، آزادی بلادرنگ
کلیه زندانیان هوادار انقلاب و مبارزین ضد امپری-
الیالیست در بند خواستاریم و از دولت ایران، مصرا
می طلبیم، آزادی فعالیت احزاب را رعایت و بسه
پیگرد مبارزین پایان دهد ."

- سازمانهای امضاء کننده " اعلامیه بدینقرارند:
- فدراسیون دانشجویان هند در ایالت اوترا
پرادش . ● فدراسیون سراسری دانشجویان هند
در اوترا پرادش . ● حزب کمونیست هند در اوترا
پرادش . ● کنگره سراسری اتحادیه های کارگری در
اوترا پرادش . ● فدراسیون زنان هند در اوترا
پرادش . ● انجمن نویسندگان مرفی در ایالت
مادیا پرادش . ● کمیته صلح و همبستگی در
مادیا پرادش . ● فدراسیون زنان هند در مادیا
پرادش . ● کنگره سراسری اتحادیه های کارگری در
مادیا پرادش . ● اتحادیه کارگران صنعتی در
مادیا پرادش . ● سازمان تهیدستان زاغه نشین
در شهر پونا . ● حزب کمونیست هند وستان در پونا
● کنگره سراسری اتحادیه های کارگری در پونا
● فدراسیون سراسری دانشجویان هند وستان
در پونا . ● سازمان زنان کارگر در پونا . ● فدراسیون
زنان هند در پونا . ● کمیته صلح در پونا
● انجمن دانشجویان سودان در پونا
● اتحادیه ملی دانشجویان بحرین در پونا
● اتحادیه جوانان دمکرات بحرین در پونا
● جبهه خلق برای آزادی فلسطین در پونا
● جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان در
هند وستان . ● جبهه دمکراتیک برای آزادی
فلسطین در هند وستان .

سخنان مارک آلن، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا در دفاع از حزب توده ایران

”دفاع از حزب توده ایران، تشکیلات و اعضای آن در مرحله کنونی، بمثابة برداشتن اولین قدم برای نجات انقلاب این کشور از ورطه نابودی است“

بستمانند، همانند دولت ریگان، از اعضای حزب، به عنوان ” مأموران اتحاد شوروی ” یاد می کنند. ما اعضای حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، شرکت در جنبش وسیع دفاع از حزب توده، ایران و قانونیت حق تشکل و حفظ اعضای حزب در برابر فشار های بیرحمانه، موجود را وظیفه خود می دانیم .

توسعه طلبی های اسرائیل و صهیونیسم در خاور میانه است و ارتجاع داخلی که هدفش بطور جدی، با اهداف امپریالیسم گره خورده است، قصد نابودی دستاورد های انقلاب و مسخ جنبش عظیم مردمی، بمنظور حفظ موقعیت و قدرت استعماری آن و استقرار نظام سرمایه داری در کشور را دارد .

بقیه از صفحه ۱
آمریکا نیز در این باره سخنانی ایراد کرد. متن کامل سخنان وی، اخیرا بدست ما رسیده که در این فرصت، آن را به چاپ می رسانیم :
” قبل از هر چیز ما بایم آمادگی کامل خود را برای شرکت در جنبش گسترده بین المللی در دفاع از رفقای دربندم، یعنی اعضای حزب توده، ایران، اعلام کنم .

آنچه که بعنوان ” سند خیانت ” حزب توده، ایران، از آن نام برده می شود و در واقع همان اتهامات کثیف رژیم دیکتاتوری شاه است، چیزی نیست. بجز مبارزات شجاعانه این حزب و اعضای آن علیه استعمار و امپریالیسم و به شنونده هشدار می دهد که در ورای ایمن کلمات، سمت و سوی واقعی که در ایران رخ می دهد و چرخش به راست حاکمیت نهفته است. بخاطر داریم که در کنفرانس ویلیامزبورگ، سران دول سرمایه داری جهان، بر سر این مسأله که ” درها باید بروی ایران باز شود، ” به توافق رسیدند . آنان، همانند مردم جهان نمی توانستند علائمی که از تهران می رسید و پخش صحنه ” اعترافات ” نیز بخشی از آن بود را، نادیده بگیرند . به اعتقاد من، گفتگو میان وزارت خارجه، ایالات متحده آمریکا و ” سیا ” از سوئی و نیروهای باقیمانده رژیم شاه و ضد انقلاب، که ” هنری کیسینجر ” آنرا ” کانالهای پشت پرده ” نامیده است، از سوی دیگر نقش عمد های در جریان تحولات اخیر ایران ایفا می کند. حمله بیرحمانه به حزب توده، ایران و تعقیب و پیگرد سایر نیروهای راستین ضد امپریالیستی در ایران، روشن ساخت که اهداف مردمی انقلاب بهمن ۵۷، در معرض مسخ و تخریب قرار گرفته است .

لنین در باره انقلاب روسیه می گوید :
” پس از انقلاب، وحشی گری ضد انقلاب ده چندان می شود ” و تجربه تاریخی تا کنون صحت این گفته را در بسیاری از انقلابات به اثبات رسانیده و انقلاب ایران یکی از آخرین نمونه ها در این مورد است . هدف امپریالیسم آمریکا بطور کلی، احیای نقش ایران بعنوان زاندارم خلیج و بمثابة متحد اصلی و کلیدی



مارک آلن در جلسه همبستگی با زندانیان توده های، سرکوب وحشیانه حزب توده، ایران را محکوم می کند!

ما همچنین به این امر واقفیم که مبارزه در برابر تضییقات وحشیانه علیه حزب توده، ایران و در نهایت علیه انقلاب ایران، مسئولیت ویژه فرد فرد شهروندان مرفقی آمریکا است، زیرا که این عملیات در واشنگتن طرح ریزی شده و در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا است .
دفاع از حزب توده، ایران، تشکیلات و اعضای آن در مرحله کنونی، بمثابة برداشتن اولین قدم برای نجات انقلاب این کشور از ورطه نابودی است .

بنابر این لازمه، پیشبرد این اهداف مشترک سرکوب نیروهای مرفقی و مدافعین راستیمن انقلاب و در رأس آن حزب توده، ایران است .
حزب توده، ایران، مانند سایر احزاب کمونیست راستین دیگر در جهان، به این اصل که انقلاب ضد امپریالیستی و اصولا جنبش واقعی و پیگیر ضد امپریالیستی، نمی تواند ضد کمونیستی و ضد شوروی باشد، اعتقاد دارد و ایمان اصولی و شجاعانه، آن به این اصل و مبارزه در راه استقلال پایدار میهن و حفظ منافع مردم آن، دلایلی است که بخاطر آن باردیگر هدف ضربات وحشیانه ارتجاع قرار گرفته است و باز از همین روست که کسانی که کمر به نابودی حزب

زنده باد حزب توده، ایران
زنده باد انقلاب ایران
برقرار باد همبستگی بین المللی

با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مرفقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

خاطراتی از یک مبارز توده‌ای قدیمی!

«دنیا همیشه بگام ارتجاعیون شیرین نخواهد ماند»

با این تفاوت که جای امپریالیسم انگلیس، امپریالیسم آمریکا اکنون با تمام امکانات خود در فعالیت است و بجای رژیم رضا شاه رژیم ج ۱۰، وظیفه کمونیست ستیزی را به عهده گرفته.

رفیق آوانسیان ادامه می‌دهد:

« آنروزها نقشه‌های جهنمی امپریالیسم این بود که می‌خواست با حیثیت کمونیستها بازی کند و این مردان شریف را که با عزم راسخ، علیه امپریالیسم جهان‌خوار و نوکران آنها مبارزه می‌کردند از صحنه خارج کند تا با خیال راحت به چپاول خود ادامه دهند. آنها در نظر داشتند مبارزین جدی برای استقلال و آزادی ایران را پیش مردم بی‌آبرو کرده و آنها را خائن و دودرو معرفی کنند. بطوریکه می‌بینید امروز هم نقشه همان نقشه است و هدف همان هدف و باز هم می‌بینیم که کمونیستها امروز هم همچون همزمان دیروز خود با فدکاری و از خودگذشتگی به مبارزه خود ادامه می‌دهند و تهمت، زندان و شکنجه و بازخره تیر بارانها، در اراده پولادین آنها خللی ایجاد نمی‌کند »

رفیق آوانسیان در جای دیگری از نوشته خود خاطره جالبی از عزم راسخ کمونیستهای ایران و قهرمانی‌های آنان آورده که چنین است:

« در اینجا می‌خواهم حقیقتی را در مورد عزم راسخ کمونیستهای ایران، در باره یکی از دوستانم که عضو فرقه دمکرات بود بیان کنم. نام او صبحی، یکی از کارگران کارخانه قندسازی می‌باشد و آب و از فعالین اتحادیه کارگران بود. هنگامیکه او را بدار می‌آویختند طناب دار پاره شده و او بزمین افتاد. پس از دقایقی بحال آمده و دید که می‌خواهند دوباره دارش بزنند، او با شهادت تمام رژیم را خطاب قرار داده و گفت: « ما که گفتیم این رژیم پوسیده است، معلوم می‌شود طناب دار شما هم پوسیده است! این قهرمان و قهرمانانی نظیر وی در قلبهای هزاران عضو و هوادار حزب توده ایران جای دارند. ما در مقابل رفیق صبحی و قهرمانانی نظیر وی سر تعظیم فرود می‌آوریم. آنها در قلب ما جای دارند »

چنانکه از خاطرات رفیق آوانسیان پیداست ارتجاع در دورانهای گوناگون کوشش کرده است به انحاء مختلف با توسل به شیوه‌های غیرانسانی، ارتکاب جنایات بهیمی رزمندگان خلق را به بند کشیده و آنان را از میدان مبارزه استقلال طلبانه و آزادی خواهانه بدر برد. اما چنانکه رفیق آوانسیان به درستی تأکید می‌کند، ثابت قدمی، عزم راسخ و قهرمانی مبارزان کمونیست و توده‌ای نقشه‌های شوم ارتجاع را همواره نقش بر آب ساخته و نسل‌های نوین مبارزه پرچم رزمندگان را برافراشته تر از پیش به اهتزاز در آوردند.

بدانند؛ دنیا همیشه بگام ارتجاعیون شیرین نخواهد ماند و بخصوص در عصر پر شور و طوفانی و انقلابی عصر ما که خلقها برخاسته، ضربه‌های جانانه‌ای به پیکر امپریالیسم وارد می‌آورند »

« چنانکه من از حبس ایدرها شده‌ام... ولی در میخ من یعنی رضا شاه ناپلئون ایران با چه خفت و خواری فرار کرد و برای ابد آلاباد تعیید شد »

رفیق آوانسیان، در دوران طولانی فعالیت انقلابی خود، چه در صفوف مبارزان حزب کمونیست ایران و چه در صفوف حزب توده ایران، که کوششهای فراوان ارتجاع را در جهت به بند کشیدن مبارزان انقلابی و جلوگیری از فعالیت احزاب ترقی‌خواه به چشم دیده، در باره یکی از تجارب خود نوشته است:

« اینجا می‌خواهم توجه شما را به یک موضوع جلب کنم. انگلیسیها نقشه‌ای چیده بودند که می‌خواستند با دست رضا شاه علی‌کنند. آن نقشه چه بود؟ نقشه این بود که دولت ایران بسا دست یک عده روسهای فراری (گارد ایچی) که از روسیه به ایران فرار کرده بودند، از طرف دولت ایران مأموریت یافتند تا بیرون سفارت شوروی را غارت کنند و اسناد سری سفارت را در آورده و طبق این اسناد کمونیستهای ایران را به جرم جاسوسی به نفع شوروی محکوم کنند. رژیم مرتجع و پلیس رضا شاه، قبلا اسناد دروغین تهیه کرده بودند تا با این اسناد که گویا از سفارت شوروی در آورده بودند، بعنوان سند جاسوسی کمونیستها به نفع شوروی، ارائه دهند و حکم زندانی کردن آنها را صادر کنند. ولی نقشه نگرفت. سفارت شوروی به موقع از این توطئه با خبر شد و به دولت ایران اعتراض کرد... بهر حال نقشه فوق‌الذکر بی‌شهادت به نقشه‌های امروزی که در ایران پیاده می‌کنند نیست،

رفیق حزبی ما، اردشیر آوانسیان، از پیش‌کسوتان جنبش کمونیستی و کارگری ایران، از رهبران حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران، ایران، بررسی تاریخ‌گونه‌ای تحت عنوان «سخنم با جوانان است» در اختیار راه توده قرار داده که در آن از خاطرات و تجربیات مبارزه جویانه خود و دیگر انقلابیون توده‌ای سخن گفته است. ما بخشی از این بررسی را در این شماره درج می‌کنیم و نشر تفصیلی آن را به صورت دیگری به آینده موکل می‌کنیم.

رفیق آوانسیان می‌نویسد:

« اینجا سخنم با جوانان است. جوانان انقلابی، مبارز و رزمنده و شیفته انقلاب مردمی، جوانانی که طرفدار حق و حقانیت، آزادی و دمکراسی و طالب استقلال وطن خود هستند... رفیق آوانسیان با اشاره به سیر قهرقرائی کنونی انقلاب خاطر نشان می‌سازد:

« نگارنده، شاه‌دینج شکست انقلاب ایران بود، بچشم خود جشن و شادی مردم را در انقلاب‌ها دیده و شاهد روزهای بحرانی و دوران شکست مردم نیز بوده است. پیروزی‌ها و شکستها، توده‌های مردم را آبدیده تر، پخته تر و روشن‌تر می‌کنند، اشتباهات و ناکامی‌ها، مبارزین را پخته تر می‌کنند. هر شکستی آموزنده و مکتب‌ساز سیاسی بزرگی برای مبارزه آینده است و بدیگر سخن، هر شکستی، پلی بسوی پیروزی آینده است »

رفیق آوانسیان در جای دیگری از نوشته خود با تصویر کردن وضع زندانهای رضا شاه و چگونگی ضرب و شتم مبارزان توسط جلادان سردار سپه از جمله با اشاره به محکومیت خود به زندان ابد، که به دستور مستقیم رضا شاه انجام گرفته بود، می‌نویسد:

« می‌خواهم به دوستان جوانم بگویم که

شکست کوشش برای «دلاریاسیون» در اسرائیل

سپس «آریدر»، وزیر دارایی اسرائیل، به مدت یک ساعت در رادیو و تلویزیون اسرائیل پیرامون «دلاریاسیون اقتصاد اسرائیل» توضیحاتی داد و گفت که چرا اهالی اسرائیل باید از این پس با مقوله دلار ببند باشند. اما عصر همان روز وزیر دارایی از مقام خود استعفا کرد!

اینکار تلاشی بود برای افکندن اقتصاد اسرائیل در یک پرتگاه ژرف و ترسانک خودآریدر بهنگام توجیه این نقشه اعتراف کرده بود که این بقیه در صفحه ۱۶

اواسط ماه اکتبر یکی از مدیران کل وزارت دارایی اسرائیل اعلام کرده: برنامه‌های تنظیم شده که موافق آن، تمام زندگی اقتصادی در کشور بنا سیستم دلار تطبیق خواهد شد. بهمنسوان نخستین گام «شیکل» واحد پول اسرائیل دستمزد کارگران، حقوق کارمندان، بهای کالاها، بودجه دولتی و معاملات بانکی و پولی و یا زنگانی و صنعتی بر پایه دلار محاسبه خواهد شد. گفته شده که در مرحله دوم این «دلاریاسیون» واحد پول اسرائیل را یکلی حذف و دلار را جانشین آن خواهند نمود.

امپریالیسم آمریکایی تواند از زیر بار تجاوز راهزانه‌شانه خالی کند

در مورد لبنان، به او گوشزد شود که گفته بود: "صحبت بر سر حق یک کشور کوچک است بطور مستقل و بدون فشار از خارج یا تهدید و شانتاژ تصمیم بگیرد".
در مورد گرنادا، شولتس باز هم اعلام کرده که برای پر کردن "خلا" حکومتی "در گرنادا" دولت‌های دریای کارائیب باید تصمیم بگیرند و یک "دولت موقت گرنادا" برچود آورند. وقتی همه این گفته‌های پیش‌مانه در نظر گرفته شود،

واشنگتن هستند و اراده او را اجرا می‌کنند. اما سوال دیگری که مطرح می‌شود اینست که آنچه هنگام "خواهش" یک یا چند دولت از دولت دیگری برای دخالت در امور داخلی یک کشور ثالث، می‌تواند توجیه کننده تجاوز مستقیم آن کشور باشد؟ به این ترتیب از حقوق بین‌المللی و منشور و اصول سازمان ملل متحد چه چیزی باقی می‌ماند؟
گفته‌های وزیر امور خارجه آمریکا، بدین

از گوشه و کنسار جهان، فریادخشم و اعتراض علیه جنایت تازه امپریالیسم آمریکا در گرنادا بگوش می‌رسد. تجاوز مستقیم آمریکا علیه کشوری که عضو متساوی الحقوق سازمان ملل متحد است بدون کوچکترین دلیل منطقی صورت گرفته است. صحبت بر سر ادعاهای بیشترانه و برتری جویانه‌ای است که خود سری و بی قانونی را حاکم بر مناسبات بین‌المللی می‌کند.

تروریسم بین‌المللی تبدیل به مشی اصلی در سیاست خارجی دولت کنسوسی آمریکا می‌شود. واشنگتن نوید آنه تلاش می‌کند "دلایلی" بترشد که عمل راهزانه‌اش را در گرنادا توجیه نماید. نخست ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد که علت مداخله نظامی در گرنادا "حفظ جان اشخاص بی‌گناه" و برقرار کردن "نظم و دموکراسی" در آنجا بوده است. سپس شولتس وزیر امور خارجه به میدان آمد و ادعا کرد که علت اعزام نظامیان آمریکایی به گرنادا "نگرانی از وضع شهروندان آمریکایی ساکن گرنادا" بوده است. او افزود که در گرنادا گویا محیط "نااهنجار و تضییق" حاکم بوده ولی خود اعتراف کرد به صحت این گزارش‌ها که بدولت آمریکا رسیده، نمی‌توان چندان اعتماد کرد. "روز قبل از آن خود شولتس رسماً گفته بود که:

"در مجموع وضع در گرنادا آرام است و به شهروندان آمریکایی در آنجا هیچگونه آسیبی نرسیده است".

در عین حال فاش شده که چند روز پیش از تجاوز آمریکا، دولت گرنادا به کارمندان سفارت آمریکا در پاریس اجازه داده است که به آن کشور سفر کنند و از نزدیک وضع شهروندان آمریکایی را مورد بررسی قرار دهند. خود ریگان هم، روز ۲۵ اکتبر اعلام کرده بود "شهروندان ما در خطر نیستند".

گذشته‌های نه چندان دور نشان داده است که استعمارگران امپریالیست به بهانه دفاع از شهروندان خود، بارها سیاست راهزانه گشتی‌های تهدید را مورد استفاده قرار داده‌اند. یکی از دلایل دیگری که شولتس مطرح کرد اینست که گویا تعدادی از دولت‌های همسایه گرنادا از دولت آمریکا خواهش کرده‌اند در آنجا مداخله کند و در گرنادا "نظم و قانون" را برقرار نماید. اما این "دلایل" چه کسی را می‌تواند فریب دهد؟ همه جهانیان می‌دانند که رژیم‌های جوامیک، پاریادس، سن لوسیس، سن وینسنت و آنتی گوا دست نشانده‌گان



نمونه‌ای از وحشیگری اشغالگران آمریکایی در گرنادا

دیگر چه ارزشی برای ادعاهای گردانندگان سیاست واشنگتن مبنی بر احترام به "حقوق دولتها" و "حقوق بشر" باقی می‌ماند؟
شولتس در پایان کنفرانس مطبوعاتی خود اعلام کرده است که سربازان آمریکا، هر وقت که ممکن باشد از گرنادا خارج خواهند شد. هیچ کس فراموش نکرده که آمریکائیان برای مدت یکماه به لبنان آمدند و اکنون نه تنها قصد خارج شدن از آنجا را ندارند، بلکه روز بروز تعداد سربازان خود را نیز بیشتر می‌کنند.
تلاش‌های بیپرده واشنگتن، برای توجیه جنایتی که علیه خلق گرنادا مرتکب شده، شاهد آنست که سیاست‌کاخ سفید همانا سیاست راهزنی بین‌المللی، دروغوئی، فریب و وقاحت است. این سیاست را تمام مردم شرافتمند جهان محکوم می‌کنند.

معنی است که واشنگتن بخود "حق" می‌دهد که معین کند کشورهای دیگر، باید چه رژیم‌سی داشته باشند و چه سیاستی در پیش گیرند! اگر این وقاحت امپریالیستی نیست پس چیست؟
روزنامه نگاران از وزیر امور خارجه آمریکا پرسیدند: آیا تجاوز نظامی به گرنادا برخلاف منشور "سازمان دولتهای آمریکایی" نیست؟ در ماده ۴ پانزدهم این منشور که اعضای ایالات متحده نیز زیر آنست گفته می‌شود: هیچ دولت و هیچ گروهی از دولتها، بسه هر عنوانی که باشد، حق ندارند بطور مستقیم یا غیر مستقیم در امور داخلی دیگر کشورها مداخله کنند؟ نه مداخله نظامی و نه مداخله اقتصادی و نه حتی فرهنگی! اما شولتس کوشید ثابت کند که منشور "سازمان دولتهای آمریکایی" شامل منطقه دریای کارائیب نمی‌شود!
بد نیست یکی از اظهارات اخیر آقای شولتس

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

بزرگ مالکان و فئودالها بازگشته اند...

با حفظ و گسترش تشکلهای دهقانی، باید به مبارزات دهقانی بعد و گسترش تازه‌ای بخشید!

بقیه از صفحه ۱

آب و ... دهها و دهها " کمبود " و " نبود " دیگر توجه جدی به خواستها و نیازهای روستائیان و برآورده ساختن آنان را تأخیر ناپذیر ساخته است .

گزارشات " نیم بند والکنسی " کسه در روزنامه‌های مجاز کشور، به چاپ می‌رسد و نیز سخنان نمایندگان مجلس که گاه گاه " عطف توجهی " هم به مسائل حوزه " انتخابی خود می‌کنند، رئیس است که عنوان " تذکرات نمایندگان " به خود گرفته و وضع نابسامان و بهم ریخته کشاورزان را آشکار می‌سازد، ... همه و همه حکایت از این دارد که حل مشکل زمین و اجرای بی‌کم و کاست مصلوبه شورای انقلاب در مورد اصلاحات ارضی، تنها و تنها راه پایان بخشیدن به این نابسامانیهای دوار برانگیز است .

هر چند مقامات مسئول می‌کوشند، از کنسار این مسئله اصلی و عمده، بی‌سرو صدا عبور کنند و تمامی گناه بهم ریختگی امور کشاورزی و تولید روستاها را به پای روستائیان رنج‌دیده و محروم ما بنویسند، ولی واقعیت‌ها، از مطلب دیگری خبر می‌دهد:

حجت الاسلام شفاقی، عضو شورای اسلامی روستای لنجان سراب می‌گوید:

" از عمده مشکلات روستاها اینست کسه از زمان رژیم گذشته، عدای که خود را به صورت خان، کدخدا و فئودال یا به صورت‌های دیگر به روستائیان حاکم کرده بودند، هنوز هم در بعضی از روستاها فکر حاکمیتشان از مغزها بیرون نرفته و عدای هم هنوز نقش اساسی دارند، در روستاها، واقعا عدای از مستضعفین را رنج می‌دهند و باعث می‌شوند که روستائیان مظلوم ششده و احياناً خانه و کاشانه خود را ترك نموده و بروند تا زراعتشان هم لسم یسزرع بماند " (اطلاعات ۳ مهر)

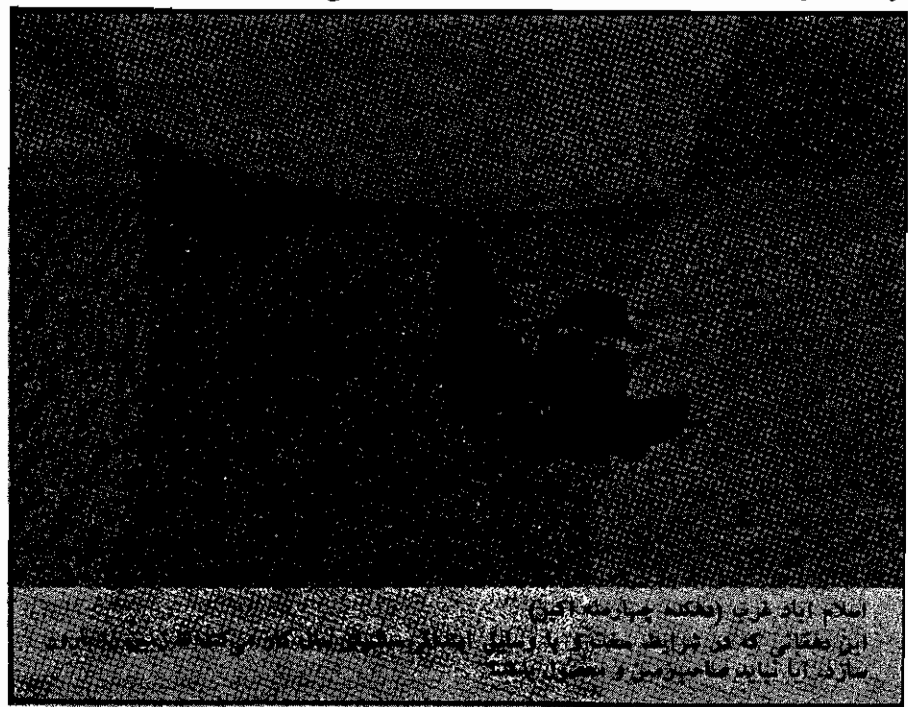
بله! واقعیت اینست که "توقف بند" "ج" و "د" واقعیت اینست که تشکلهای ارضی مصوب شورای انقلاب روند تعمیق انقلاب به نفع توده‌های زحمتکش روستا دچار وقفه‌ای شدیدی شد . دهقانان بی‌زمین و کم زمین که آمال و آرزوهای هزار ساله خود را که در دریافت زمین و محو کامل بزرگ مالکی خلاصه می‌شد، با خطر جدی روبرو می‌دیدند، دست به فعالیت وسیعی در اشکال و ایجاد تازه‌ای زدند. سیل نامه‌ها و شکوایه‌های دهقانان با امضا و اثر انگشت ویا مهر شوراها و روستائیان هر روز به سوی مراجع مختلف و ارگانهای دولتی و نهاد های انقلابی مدافع دهقانان خواست طبیعی و بحق خود را، که رسیدن حق به حق دار و زمین به دهقانان بود، اعلام می‌کردند، آنها از مسئولین می‌خواستند، که هر چه سریعتر اجرای بند های "ج" و "د"

اصلاحات ارضی را آغاز کنند . در طول این دوران صفحات " نامه مردم "، ارگان مرکزی حزب توده، ایران و نشریات دهقانی حزب توده، ایران گواه این مرحله از جنبش دهقانی ایران برای دریافت زمین است.

با تنگناهای متعددی که نیروهای راستگرا از طرق مختلف از جمله تفاسیر مالک پستدانه از شرع اسلام، سوء استفاده از شرایط جنگ، اشغال مواضع مهم و کلیدی در نهاد های اقتصادی و دولتی، کارشکنی در فعالیت های نیروهای مدافع دهقانان از جمله هیئت های هفت نفری بوجود آوردند، عوامل فئودالها و بزرگ مالکان و بویژه نمایندگان سیاسی آنها فرصت ظلای برای تجدید سازمان و فعالیت ضد-

با بازگشت گروههای بزرگ مالکان در نقاط مختلف کشور، بویژه در استان آذربایجان امکانات نیروهای مدافع زحمتکشان محدودتر شد و با سرکوب و دستگیری رهبران و اعضا و مسئولین حزب توده، ایران راه بازگشت به دوران سیاه استثمار زحمتکشان هموارتر شد . طبیعی است که بازگشت بزرگ مالکان به روستاها با مقاومت جدی و در برخی از روستاها (روستاهای استان آذربایجان - از جمله ابهر) با مقاومت حماسی دهقانان روبرو بوده و هست . دهقانان بی‌زمین و کم زمین به اشکال گوناگون در برابر بزرگ مالکان و عوامل آنها ایستادگی کردند . در گریه‌های متعدد، که به ضرب و جرح دهقانان توسط مأموران ژاندارمری و

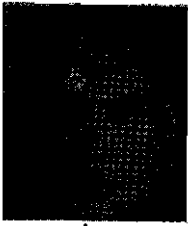
با شرکت برخی از نیروهای سپاه انجام شد و به زندانی شدن دهقانان مبارز یا اعضای شورا منجر گردیده است، نمونه‌ای از خواست قاطع دهقانان برای حل انقلابی مسئله زمین است . هم چنین شرکت زنان روستائی در مبارزات دهقانی، که در مواردی حاکی از مقاومت حماسی زنان در برابر عوامل زور است، نشانگر تصمیم قاطع جامعه زحمتکش روستائی در برابر بازگشت بزرگ مالکان به روستاست . مبارزات بزرگ مالکان و سرمایه‌داران بزرگ، تحکیم مواضع نیروهای راستگرا که آغاز بازگشت به دوران سیاه استثمار زحمتکشان تلقی می‌گردد که با پیامد مرگ انقلاب همراه است، هرگز به معنی مرگ مبارزات طبقاتی در جامعه روستائی کشور ما نیست . این تحولات و تجارب چند ماهه زحمتکش روستا به رشد آگاهی سیاسی و طبقاتی آنان کمک



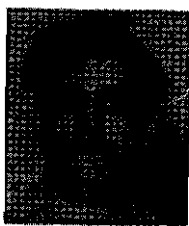
انقلابی، در جهت جلوگیری از روند تعمیق انقلاب در روستاها پدست آوردند . آنها با نفوذ در برخی از ارگانهای دولتی و نهاد ها از جمله دادگاههای انقلاب به تدریج راه بازگشت فئودال ها و بزرگ مالکان را باز کردند . هم-زمان با نفوذ در برخی از مراجع مذهبی به بازگشت روابط استثمار گرانه بزرگ مالکی جنبه " قانونی " و " شرعی " بخشیدند .

در طول بیش از ۳ سالی که قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب مورد حملات نیروهای راستگرا قرار می‌گرفت و در طول مدتی که بند بند قانون با شمشیر شرع مالک پستدانه در کمیسیون های مجلس پاره پاره می‌شد، به تدریج روند بازگشت بزرگ مالکان با صدور احکام لغو مصادره زمین های بزرگ مالکی آغاز می‌گردید، بازگشت بزرگ مالکان و غضب مجدد زمین‌های دهقانان از مهرماه سال ۶۱ به اوج خود رسید . هم‌زمان

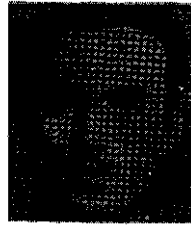
با شرکت برخی از نیروهای سپاه انجام شد و به زندانی شدن دهقانان مبارز یا اعضای شورا منجر گردیده است، نمونه‌ای از خواست قاطع دهقانان برای حل انقلابی مسئله زمین است . هم چنین شرکت زنان روستائی در مبارزات دهقانی، که در مواردی حاکی از مقاومت حماسی زنان در برابر عوامل زور است، نشانگر تصمیم قاطع جامعه زحمتکش روستائی در برابر بازگشت بزرگ مالکان به روستاست . مبارزات بزرگ مالکان و سرمایه‌داران بزرگ، تحکیم مواضع نیروهای راستگرا که آغاز بازگشت به دوران سیاه استثمار زحمتکشان تلقی می‌گردد که با پیامد مرگ انقلاب همراه است، هرگز به معنی مرگ مبارزات طبقاتی در جامعه روستائی کشور ما نیست . این تحولات و تجارب چند ماهه زحمتکش روستا به رشد آگاهی سیاسی و طبقاتی آنان کمک



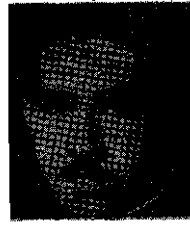
سروان
احمد مهدیان



سرگرد
غلامحسین محبی



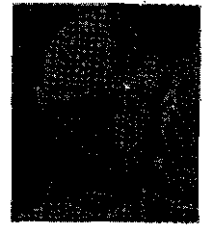
سروان
منصور کلابی



سروان
حسین کلالی



سروان
مصطفی بیاتی



سرگرد
معمودها بجنیا

جاودان باد خاطرهٔ تابناک دومیں گروه افسران شهید توده‌ای!

آخر چگونه افکار عمومی جهان باید باور کنند، رژیمی که بنا به ادعای خود گویا ریشه در دل مردم دارد، در مقابل با حزب توده ایران و مخالفینی که با ادعای او وجود خارجی ندارند، هر روز زندان تازه‌ای بنا می‌کنند، هزاران زندانی سیاسی دارد، سازمان ساواک را با بودجه کلان بچان مردم می‌اندازد، امنیت مردم را سلب می‌کند و هر جنبه‌ای مخالفی را تا سرحد مرگ، شکنجه می‌کند؟

این واقعیات سببناک را نمی‌توان با هیچ تئوری از جهانیان پنهان کرد! امروز که ۲۹ سال از تیرباران گروه دوم دلاوران توده‌ای می‌گذرد، ما توده‌ای‌ها به یاد سرداران حزب خود، به یاد شهدائی که در خون خلقی خویش خفته، تا نهای انقلاب را بارور کنند، خاطره آنان را گرامی می‌داریم.

سازمان نظامی حزب توده ایران، رفقاً، سرگرد بهنیا، سروان بیاتی، سروان کلالی، سروان کلهری، سرگرد محبی و سروان مهدیان به چوبه اعدام بسته شدند و به حماسه آید پیوستند. و امروز پس از گذشت ۲۹ سال از آن تاریخ ج ۱۰۱۰ بار دیگر این راه آزموده را تکرار می‌کنند. امروز در دورانی که رژیمهای دیکتاتوری دوام ندارند و به مآبه بنیانهای بی‌ریشه، در برابر عصیان خلقهای در پی فرو می‌پاشند، رژیم کتونی ایران بدون پندآموزی از واقعیات زمان، ابتدائی‌ترین موازین حقوق بشر را زیر پا نهاده و همچون رژیمهای ترور و اختناق جهان در کنار رژیمهای پینوشه در شیلی، ضیاالحق در پاکستان و اورن در ترکیه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در زندان ها و در زیر شکنجه از پای در می‌آورد.

تاریخ حزب توده ایران، از ۴۲ سال پیش که نخستین رزمندگان توده‌ای برای مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر دفاع از استقلال، آزادی و حقوق زحمتکشان ایران پا به میدان پر مخاطره نبرد گذاشتند، با خسون و شهادت نوشته شده است.

آری مبارزه بی‌امان برای کسب استقلال و آزادی ایران و تأمین حقوق زحمتکشان، هزاران شهید از صفوف حزب توده ایران بر جای گذاشته است، شهیدان گمنامی که در میدانهای نبرد، با فریاد زنده باد ایران، زنده باد حزب توده ایران جان سپردند.

شهیدانی که گل سرسید آنها، افسران توده‌ای، روزیه‌ها، شویشتی‌ها، وارطان‌ها، حکمت‌جوها، تیزابی‌ها، بیگوند‌ها ۰۰۰ هستند. سحرگاه روز هشتم آبان ۱۳۳۳ دومیں گروه

اقدام نمود هاند.

آنان، همچنین، از سایر پزشکان مترقی خواسته‌اند که به تلاش خود، جهت آزادی این میهن پرستان، ادامه دهند.

● جمعی از شخصیتهای مترقی اسپانیا، طی ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰۱۰ خواستار پایان دادن به تضيیقات و اعمال شکنجه در مورد زندانیان توده‌ای و سایر میهن پرستان در بند گردیده و بر امر اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان جهت بررسی وضع زندانیان تأکید ورزید هاند.

اسامی این شخصیتها به قرار زیر است:
● خسوس جامورو، دادستان کل اسپانیا
● آدولفو ساستره، رئیس موسسه حقوقدانان
● خوان زونیکا، نویسنده، رائل دپوزو، مفسر مطبوعاتی
● آرماندو سالیناس، معاون سر دبیر "جهان کارگر" خوزه دیاز، نقاش.

● نشریه "هواداران حقوق بشر" در اسپانیا، ضمن بررسی اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران، به توصیف شرایط دهشتناک زندانیان ایران و شکنجه‌های ددمشانه‌ای که در مورد زندانیان توده‌ای و سایر مبارزین ضد امپریالیست در بند اعمال می‌شود، پرداخته، نگرانی افکار عمومی مترقی اسپانیا را نسبت به وضع این قربانیان، ابراز کرده است.

دفاع از توده‌ایهای دربند، همچنان در دستور روز وظایف سازمانها و کانونهای مترقی و پیشرو قرار دارد!

بقیه از صفحه ۴

شهریور (بیانیه‌ای در مورد رویدادهای اخیر ایران و رفتار وحشیانه مأمورین در زندانهای ج ۱۰۱۰ با مبارزین توده‌ای و سایر دمکراتهای در بند صادر نموده که طی آن به محکوم کردن سیاست ترور و اختناق حاکم بر ایران پرداخته و این سیاست را بنفع امپریالیسمو پایمال کردن استقلال کشور ارزیابی کرده است.)
بیانیه همچنین ادامه جنگ میان ایران و عراق را به ضرر خلقهای دو کشور و منطقه دانسته و برای حل صلح آمیز راه مذاکرترا پیشنهاد نموده است.
آنچه که در بیانیه صریحا تأکید گردیده است، قطع فوری تضيیقات و ترور علیه حزب توده ایران و مقایسه این اعمال با سیاست رژیم دیکتاتوری شاه در گذشته است و در این زمینه، به ویژه نمایشات تلویزیونی "اعترافات" رهبران حزب که بمنظور "قانونی جلوه دادن" سیاست ترور حکومت انجام می‌گیرد، بی‌اعتبار اعلام شده است.

اسپانیا

پزشکان عضو "انجمن پزشکان مدافع سلامت عموم"، در نامه‌ای خطاب به سفیر ج ۱۰۱۰ در مادرید، ضمن اشاره به وجود شکنجه و ترور در دوران فرانکو مشابهت آن با اعمال مأمورین ج ۱۰۱۰ در مورد زندانیان توده‌ای و سایر مبارزین مترقی در بند، آمادگی خویش را جهت عزیمت به ایران و بررسی وضع زندانیان

کرده است:
- پایان دادن به بازجویی‌ها و انجام آن، صرفا با حضور وکلای مدافع،
- تشکیل دادگاههای علنی تحت نظارت ارگان‌های بین‌المللی،
- بررسی فوری وضع زندانیان، زیر نظر صلیب سرخ بین‌المللی،
- قطع فوری پیگرد و تعقیب نیروهای دمکرات در ایران و آزادی بلاد رنگ زندانیان.
نسخه‌ای از بیانیه، به آدرس سفارت ایران در استکهلم نیز ارسال گردیده است.

بیانیه در پایان، خواستهای زیر را مطرح

بیانیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت بزرگداشت

سرکوب حزب توده ایران، سرکوب حق و

پرچم ظفر نمون حزب توده ایران، درفش پیروزی اف

مردم قهرمان ایران! کارگران و زحمتکشان!

دوم مهر ماه ۱۳۲۰ در تاریخ نیم قرن اخیر ایران با رویداد تاریخی بزرگی مصادف است. این رویداد تاریخی بزرگ بنیادگذاری حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران می باشد. حزب توده ایران در شرایطی پا به عرصه حیات سیاسی کشور گذاشت که هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین المللی نیروهای صالح، دموکراسی، استقلال و سوسیالیسم در معرض یورش ددمنشانه فاشیسم هیطری قرار داشتند. قهرمانی خلقهای شوروی در نبرد با فاشیسم، مردم سراسر جهان را در مقابله با اختناق و دیکتاتوری، ظلم و ستمگری، تبعیض و نابرابری به پایداری و ایثار برمی انگیزخت و همه خلقهای در بند امپریالیسم رابه مبارزه در راه استقلال، آزادی، عدالت و پیشرفت اجتماعی فرا می خوانند.

در میهن ما نهضت ملی علیه امپریالیسم و رژیم ددپت نشانده پهلوی دوباره نیرو می گرفت. کارگران، دهقانان، کسبه و پیشه وران، توده کارمندان و روشنفکران زنان و جوانان و صاحبان سرمایه های کوچک و متوسط که از ستم انحصارات امپریالیستی رنج می بردند در صحنه سیاست کشور قدر می افراشتند. رضا شاه کسه به پشتیبانی از فاشیسم هیطری گرایش پیدا کرده بود نه تنها از سوی نیروهای انقلابی، ملی و مردمی و ضد فاشیست ایران تهدید می شد بلکه از طرف ائتلاف ضد فاشیستی متفقین نیز تحت فشار قرار داشت. در این زمان دیوارهای اختناق و دیکتاتوری سیاه و شوم رضاخانی فرو ریخت، درهای سرد و فولادین سیاهچال های رضاشاهی شکسته شد و زندانیان سیاسی که در بیدادگاههای "رضا شاه" محاکمه و به زندان های دراز مدت محکوم شده بودند از محبس های نمر و تارک و از شکنجه گاههای خوف رضاخانی به آغوش مردم راه یافتند. از همین زندانیان سیاسی از بند رسته بود که هیئت مؤسس حزب توده ایران تشکیل گردید. هیئت مؤسس حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰ چند هفته پس از رهایی از زندان ها و شکنجه گاهها و تبعیدگاههای "رضا شاه" رسماً موجودیت حزب توده ایران و تقاضای فعالیت انقلابی آنرا اعلام کرد.

به تاریخ می توان دروغ گفت اما تاریخ دروغ نمی گوید. به شهادت تاریخ، حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا امروز، علم پرش فراز و نشیبهای فراوان رهسرو و راهبر پیشاهنگ راهی بوده است که پیروزی انقلاب و رهایی کارگران و زحمتکشان ایران را نموده دهد.

"حزب توده ایران نخستین حزبی است که ساله مبارزه با امپریالیسم و استعمار نو و کهنه را به معنای وسیع و عمیق آن در کشور مطرح کرد و توده های مردم را بسوی این مبارزه سوق داد. مبارزه با فاشیسم و عمال هیطریسم، مبارزه علیه دسایس گوناگون امپریالیستها بویژه علیه امپریالیستهای انگلیس و آمریکا، حزب توده ایران را مورد کین بی پایان امپریالیسم قرارداد. حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی کشور بود که امپریالیسم آمریکا را به مردم شناساند. ماهیت تجارکارانه و غارتگرانه آنرا، بمشابه دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان افشا کرد و مردم و میهن پرستان ایران را به مبارزه علیه آن سوق داد.

حزب توده ایران مبارز پیگیر راه آزادی سیاسی و حقوق دموکراتیک است. حزب همواره علیه استبداد، سلطنت مطلقه، اختناق و تاریک اندیشی با تمام توان مبارزه کرده است. این مبارزه پیگیر حزب کینه سوزان و پایان ناپذیر همه کسانی را که در راه پایمال ساختن "حقوق ملت" و آزادیهای سیاسی مردمی و ضد امپریالیستی گام بر می دارند برمی انگیزخت. ارتجاع ایران یارها سرکوب حزب توده ایران را مقدمه ضروری سرکوب جنبش استقلال طلبی و آزادخواهی ایران شمرده و در واقع نیز تاخت و تاز علیه حزب توده ایران، خواه پس از بهمن ۱۳۲۷ و خواه پس از مرداد ۱۳۲۲ - خواه امروز - مقدمه تاخت و تاز علیه دیگر سازمان های ملی و مترقی بود."

"حزب توده ایران به وسیع ترین فعالیتها برای متشکل کردن کارگران ایران دست زد. سرپای فعالیت حزب توده ایران در راه دفاع از منافع طبقه کارگر از خنجرها و تازیانه های دشمنان کارگران ایران زخمی و خونین است. حزب توده ایران همواره منافع خود را در آگاهی طبقاتی و تشکل طبقاتی کارگران جستجو می کرده است."

"حزب توده ایران در راه تحقق یک برنامه ارضی مترقی برای تقسیم بلا-عوض زمین بین دهقانان بی زمین و کم زمین، همواره پیگیر و بی امان مبارزه کرده است. حزب در تمام دوران فعالیت خود به فعالیت وسیع برای متشکل کردن دهقانان دست زد تا دهقانان ایرانی را از خواب دیرینه برانگیزد، از تسلیم به سرنوشت رقت بار و جور و ستم ارباب بازدارد و بسوی نبرد مطالباتی و اجتماعی سوق دهد. نقش وجودی حزب توده ایران و بصیرت طبقاتی آن که آزمونهای یک تاریخ سرشار بر آن پرتو می انداخت در سیر بخرنج و متناقض انقلاب خود را آشکار کرد. حزب توده ایران انقلاب ایران را با همه خصائل و ویژگیهای دیرآشنا و نیروهای ناهمگون آن در هر مرحله دقیقاً شناخت و از برای نمودهای گاه شبیه انگیز به ماهیت آن راه یافت."

مشی انقلابی حزب توده ایران در دفاع پیگیر از انقلاب و دستاوردهای آن یارها و در حساس ترین لحظات، انقلاب را از خطرات مهلک رهانید. حزب لحظهای از افشای توطئه های امپریالیسم، ضد انقلاب داخلی، راستگرایان و سازش کاران باز نایستاد. همه این توطئه ها، آری همه این توطئه ها که برای مسخ و شکست انقلاب سازمان می یافت، با کف فعال حزب و به پشتوانه فدakarها و ازجان گذشتگی های توده ما بیباک خشتی و بی اثر می گردید. بر پایه مشی انقلابی حزب توده ایران، توده ما بیباکترین نیروی سیاسی کشور و پیگیرترین مبارزانی هستند که خواستار عمل به قانون اساسی و اجرای اصول مردمی و ترقیخواهانه آند و در این راه سرخسختانه مبارزه کرده و می کنند.

تمام برنامه و سیاست حزب، حفظ و تعمیق گرایش ضد امپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی ایران و سوق کشور بطرف پذیرش راه غیر سرمایه داری بوده است. حزب توده ایران برای تأمین پیشروی انقلاب و تضمین بازگشت تسلیم پذیری دستاوردهای انقلاب در راه تشکیل جبهه متحد خلق پیگیر و خستگی ناپذیر مبارزه کرده می کند. اتحاد همه دوستان انقلاب با هر مرام و مسلک مذهبی که هستند علیه دشمنان انقلاب آماج مقدس و خدشه ناپذیر حزب بوده است. حزب خربلکاری دشمنان دانا و دوستان نادان انقلاب را در راه تأمین اتحاد مسلمانان مبارز و پیروان اصل سوسیالیسم علمی، افشا می کرد و آنرا بمشابه مهلک ترین توطئه های که به منظور مسخ و شکست انقلاب در حال اجرا بود به مردم می شناساند. حزب پی-گیرانه در راه افشا نقشه بزرگی مشاور امنیت کارتر به روشنگری انقلابی دست زد و نسبت به خطر اجرای آن مسئولانه هشدار می داد و همواره بر این حقیقت روشن پای می فشرده که پیروان اصل سوسیالیسم علمی در داخل کشور (توده ما بیباک و فدائیان خلق) و جامعه کشورهای سوسیالیستی و قبل از همه اتحاد شوروی در عرصه جهانی از استوارترین مدافعان انقلابند. حزب توده ایران یاسازگار راستین همبستگی برادرانه میان گردانهای انقلابی جهان، جامعه کشرهای سوسیالیستی، جنبشهای رهایی بخشرطبی و جنبش انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه داری می باشد.

نقش انقلابی و یگانه حزب توده ایران در افشا و بی اثر کردن توطئه های امپریالیسم و راستگرایان و مبارزه سازش ناپذیر حزب علیه امپریالیسم، ضد انقلاب، راستگرایان و تسلیم طلبان، دشمنی سیری ناپذیر و کینه بی پایان و سببانه آنان را علیه حزب توده ایران بر می انگیزفت. آنها خوب می دانستند که بدون سرکوب حزب توده ایران و تلاش حیوانی برای بی اعتبار کردن رهبری آن مسخ و شکست انقلاب ایران ممکن نیست.

بل و دومین سالگرد تشکیل حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران

دالت، سرکوب استقلال و آزادی است

ب و رهائی کارگران و زحمتکشان ایران در اهتزاز باد!

کارگران! زحمتکشان! نیروهای انقلابی و میهن پرست!

آغاز چهل و سومین سال حیات انقلابی حزب توده ایران را در حالی گرامی می‌داریم که ۸ ماه از بیروشنی ناجوانمردانه به حزب و بازداشت و شکنجه رهبران آن می‌گذرد. جمهوری اسلامی ایران، حزب را به اتهام موهوم "جاسوسی برای شوروی"، مانند کودتاگران ۲۸ مرداد سال ۳۲ با خود سری اوباشانهای "منحل" اعلام کرد. اکنون زندانها و شکنجهگاههای جمهوری اسلامی ایران پر از هزاران مبارز تودهایست که آنها را به جرم پایبندی به معتقداتشان که دفاع از انقلاب و آمجهای آن و مبارزه پیگیر در راه شکوفایی دستاوردهای انقلاب است و حسیانه شکنجه می‌کنند. حکومت ایران رسماً و آشکاراً اعلام کرده است اگر هر توده‌ای در معتقدات خود استواری و سرسختی نشان دهد و همچنان پسه خط مشی، برنانه و شعارهای حزب توده ایران وفادار بماند در دادگاهها به اشد مجازات محکوم و به جوجه اعدام سیرده خواهد شد. حزب توده ایران که در تمام دوران فعالیت انقلابی ۴۲ ساله خود آماج کینه توزانه ترین دشمنیها و دشمنیها از سوی ارتجاعی ترین نیروهای اجتماعی بوده است که با چسبنازول مایطک مردم و قارت دسترئج زحمتکشان و بهره کشی از کارگران و دهقانان سفره خود را رنگین می‌کنند، اکنون از سوی حکومت جمهوری اسلامی ایران با همان دشمنیها و دشمنیها کسبیده می‌شود. این حکومت نیز بزور شکنجههای جسمی و روانی رهبران حزب را و می‌دارد که زانو بزنند و تاریخ سیاهی را که ۳۰ سال پیش کارشناسان سیا و شکنجه گران و قداره پندان و مشاطه گران رژیم آمریکایی کودتا، برای بی اعتبار کردن حزب توده ایران نوشته بودند، تاریخ واقعی حزب خود، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران بدانند!

چرا حکومت جمهوری اسلامی ایران مانند کودتاگران آمریکایی ۲۸ مرداد سال ۳۲ در این راه گام گذاشته است که نیم قرن مبارزه و قهرمانی کارگران و زحمتکشان و پیگیرترین میهن پرستان ایران در راه نیل به استقلال، آزادی و عدالت و پیشرفت اجتماعی را تحقیر و بی اعتبار کند؟ چرا؟ حقیقت را باز می‌گوئیم:

حقیقت اینست که مناسبات اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران پس از امپریالیستهای اکنون ابعاد بی سابقه‌ای یافته است. حکومت ایران دروازه‌های کشور را بروی انحصارات امپریالیستی گشوده است. نه تنها موافقت شده است که بازاریهای ایران از نوقر گاه کالاها امپریالیستی گردد، بلکه در هیا قرار داد نابرابر با امپریالیستهای ژاپنی، انگلیسی، آلمانی و حتی انحصارات آمریکایی در پشت پرده تهیه شده که وابستگی اقتصادی کشور را تحکیم و راه را برای فارت بی بند و بار منابع ملی کشور توسط آنها از هر جهت می‌کشد. به علاوه قرارداد های اسارتباری که رژیم شاه معدوم با امپریالیستها در جهت فارت مردم و منابع ملی کشور بسته بود و شورای انقلاب آنها را ملغی اعلام کرده بود، برخی دیگر تجدید شده و بسر اساس برخی دیگر، بد لخواه شرکتهای امپریالیستی و شرکای ایرانیشان فرات ملی هنگفت پرداخت شده است.

حکومت ایران علیرغم خواست مردم ایران و هراق سیاست ادا ده جنگ با هدف تشکیل جمهوری اسلامی در عراق را در پیش گرفته و از آن بی نظمه اهرمی در راه تحکیم وابستگیهای اقتصادی و سیاسی و حتی نظامی به امپریالیستها سود می‌جوید. تنها در ایالات متحده آمریکا ده کیانی برای فروش اسلحه و قطعات بدکی جنگ افزارهای از کار افتاده، با جمهوری اسلامی ایران طرف معامله می‌باشند. در این معاملات هر بار میلیارد ها دلار از بیت المال تنها به جیب واسطه‌های ایرانی و آمریکایی، انگلیسی و اسرائیلی سرازیر می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران بموازاات بازار سازی و گسترش مناسبات خود با امپریالیستها، راه دوستی با ارتجاع منطقه را در پیش گرفته و هر روز با گامهای بلند تری از جبهه نیروهای ضد امپریالیستی و ترقیخواه منطقه دور می‌شود. رژیمهای

آمریکایی ترکیه و پاکستان و اخیراً عربستان سعودی، ۲۴ قطب ارتجاع منطقه در حرم این دوستی قرار دارند. پیوند جمهوری اسلامی ایران با رژیمهای آمریکایی و فاشیست ترکیه و پاکستان به آنجا رسیده است که حکومت ایران در کنار ژنرالهای ترکیه صلا و در کنار ضیاء الحق رسماً در سرکوب مردم ترکیه و پاکستان مشارکت می‌کند.

حقیقت اینست که "حقوق ملت و آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی مدتی است بطور کامل بحالت تعلیق درآمده است. سازمانهای سیاسی که در راه اجرای اصول مردمی و ترقیخواهانه قانون اساسی مبارزه می‌کنند نه تنها امکان فعالیت ملتی ندارند بلکه سرکوب می‌شوند. دادستان کل کشور آشکاراً و بی صراحت نشانه هر گونه اندیشه‌های را که با آید نولژی و اندیشه‌های حاکم توافق نداشته باشد قذف مجاز دانسته است، حتی انتقاد سازنده نیز توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد و غیر مجاز اعلام شده است.

حق تشکل و فعالیت مستقل در سازمانهای دمکراتیک و صنفی که اصل ۲۶ قانون اساسی آنها برسمیت شناخته از توده کارگران، دهقانان، کارمندان، کسبه و پیشموران، زنان و جوانان سلب شده است. پیونده فعالین تشکل های کارگری را خود سیرانه از کارخانجات اخراج می‌کنند. اغلب سند پگاهای کارگری و نزدیک به

۳ شهرهای کارگری منحل شده و باقی از هر گونه فعالیت مستقل کارگری سباز داشته شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران سیاست فرمایشی کردن تشکل های توده‌های و دمکراتیک را با فشار و ارباب به پیش می‌راند و در تمام زمینهها مانع از تشکل مستقل توده‌های مردم در دفاع از حقوق صنفی و سیاسی شان است. تفتیش و ارباب، پیگرد دائمی، بی قانونی و خود سری اوباشانه، پایمال کردن

حقوق فردی و اجتماعی زیر پوشش اجرای احکام اسلامی، جامعه را در هراس و ناامنی فرو برده است. امنیت قضائی و شغلی از همه کسانی که به روند های جاری پدیده انتقاد می‌نگرند سلب شده است، مسئولینی که خواهان ادا ده با رزه علیه امپریالیسم و انجام اصلاحات بنیادین اقتصادی - اجتماعی در کشورند، از پشت هایشان برکنار می‌شوند، شخصیت های ضد امپریالیست و مردمی که در سال های قبل و پس از انقلاب نقش شایسته‌ای در مبارزات خلق داشتند مورد اتهام قرار می‌گیرند، به پشت صحنه رانده می‌شوند و تهدید به سرکوب می‌شوند. "پست های کلیدی" در اختیار اعمال انجمن آمریکایی - انگلیسی حجتیه قرار گرفته و در سطوح مختلف مجال رژیم سابق بکار فرا خوانده شده‌اند. اکنون رژیم برای پیشبرد سیاست های خود نه به نیروی ملیون خلق، بلکه به نیروی اجبار و نهاد های مسلح و سرکوب ملکی می‌شود. حال کاملاً آشکار شده است که مهرهای ساواک در رأس دستگاههای امنیتی قرار دارند. ژنرال فردوست دست راست شاه معدوم - از گردانندگان اصلی دستگاه اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. تردیدی نیست که این بار نیز، مانند ۱۵ بهمن ماه سال ۱۳۲۷، سرکوب حسرتزب توده ایران، مقدمه تاخت و تاز علیه همه نیروهای ضد امپریالیست، مردمی و انقلابی بوده است.

حقیقت اینست که جمهوری اسلامی ایران از صاحبان اصلی انقلاب، کارگران و دهقانان، مستضعفان، پاهرهنه‌ها و زرافه نشین ها و جنوب شهریها که انقلاب بر دستهای پیچیده بسته آنان شکوفه داد روی پر تافته است. اکنون جمهوری اسلامی ایران از غارتگری سرمایه داری دفاع می‌کند و پیش از همه در راه جلب حمایت "بازار" و "تجار محترم" گام بر می‌دارد.

قوانین مربوط به بازرگانی خارجی و تقسیم اراضی و دیگر قوانینی که جنبه ترقی داشتند همگی رد شده‌اند. هر قانونی که به نحوی برای بزرگ مالکان و کسولان - سرمایه داران سود مند نباشد، دیگر نه تنها در "شورای نگهبان" بلکه در تمام مراکز تصمیم گیری "خلاف شرع" تشخیص داده می‌شود. اصول مردمی و ترقی - بقیه در صفحه ۱۰

بیانیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)

بقیه از صفحه ۹

خواهانه قانون اساسی که همواره از جانب " شورای نگهبان " یا صراحت و خونسردی لگد مال می شد اکنون تا حدیک سیاست دولتی توسط حکومت پامال می شود . **فعال رژیم سابق و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکانی که انقلاب آنها را به دامن اربابان امپریالیستشان رانده بود به کشور بازگشته و باز می گردند و به کمک " ستاد بی گمراهی فرمان ۸ ماده ای امام " ، املاک و کارخانجات ، کاخ ها و ویلاها و میلیاردها سرمایه ای را که انقلاب از چنگشان بیرون آورده بوده و باره پس می گیرند . کارگران و دهقانانی که در برابر بازگشت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکین مقاومت کنند ، سرکوب می شوند ، از کارخانه ها و روستاها بیرونشان می کنند ، مورد ضرب و شتم قرار می گیرند ، بازداشت و به زندان افکنده می شوند .**

حکومت از دست زدن ، به اقدامات بنیادین روی بر تافته است و می کوشد **بیا حربه تبلیغات پر هیاهو و انجام اقدامات و اصلاحات جزئی ، مانع از شکل گیری و سیلان جنبش اعتراضی و مطالباتی مردم گردد .**

مردم قهرمان ایران! کارگران! زحمتکشان!

هر کارگر آگاه ایران می داند مرگ بر توده های یعنی زنده باد سرمایه داری ، هر دهقان زحمتکش بیدار ایران می داند مرگ بر توده های یعنی زنده باد بزرگ مالکی ، و هر میهن پرست آزاده در ایران می داند مرگ بر توده های یعنی مرگ بر حقوق و عدالت ، مرگ بر استقلال و آزادی !

حکومتی که به انقلاب و مردم و آماج های آن ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی پشت کرده ، بجای مقاومت در برابر امپریالیسم و طبقات سرنگون شده ، سیاست نزدیکی با آنها و مقاومت در برابر خواست توده های مردم را در پیش گرفته است . طبیعی است نمی تواند با توده های و دیگر مدافعان انقلاب و مردم جز بزیان زندان و شکنجه و اعدام سخن بگوید و جز بزیان تهمت و افترا مجعل و دروغ مجلس آزایی کند ، در چنین حکومتی جز آنچه که می بینیم نصیب توده های نیست !

سرکوب ناجوانمردانه حزب توده " ایران اصلی ترین مشخصه چرخش کامل پر است ، چرخش بسوی پذیرش فارتگری سرمایه داری و سازش با امپریالیسم در حکومت جمهوری اسلامی ایران است . اتهام موهوم " جاسوسی برای شوروی در عین حال باین خاطر به میان کشیده شد تا بیشترین خرابکاری در روابط عادی میان دو کشور ایران و شوروی صورت گیرد .

جمهوری اسلامی ایران به منظور تثبیت روند باز سازی و گسترش مناسبات بسا امپریالیستها از جمله امپریالیسم آمریکا می کوشد بر اعتبار جامعه کشورهای سوسیالیستی و قیل از همه اتحاد شوروی در اذهان مردم ما لطمه وارد آورد . راستگرایان و تسلیم طلبان که از فارتگری سرمایه داری دفاع می کنند و قدرت سیاسی را به قبضه خود در آوردند ، برای تثبیت موقعیت خود می کوشند اعتبار سیاسی حزب توده " ایران در میان توده های دهها میلیونی زحمتکشان شهرها و روستاها را لگد ماطر ساخته و بر آن خدشه وارد آورند . **ایدئولوژی ، راه و سیاست کارگران ، استعمار شدگان و مستضعفان را بر اعتبار جلوه می دهند تا ایدئولوژی ، راه و سیاست سرمایه داران ، استعمار کنندگان و مستکبران اعتبار کسب کند .** راستگرایان و تسلیم طلبان رهبران حزب توده " ایران را " خائن " معرفی می کنند تا خیانت خود به مردم و انقلاب را بیوشانند . آنها رهبران حزب توده " ایران را " جاسوس شوروی " معرفی می کنند تا تنگ خود را در تسلیم منابع و منافع ملی کشور به امپریالیستهای فارتگر پرده پوشی کنند .

راست آنست که حزب توده " ایران ، در کانون ستیز انقلاب و ضد انقلاب در سراسر کشور ما قرار گرفته است و حد موفقیت راستگرایان ، ضد انقلاب و امپریالیسم در عوض کردن جهت ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی و کشاندن کشور به راه سرمایه داری بطور مشخص بسا اینکه تا چه میزان حزب توده " ایران کوبیده و منفرد شود گره خورده است . اگر امپریوز حزب توده " ایران چنان کوبیده و منفرد شود که سیاست و برنامه آن بلا مدافع گردد ، ارتجاع راحت تر از هر زمان دیگر خواهد توانست جنبش توده های را در برابر سبطره گرایش به راست منکوب کند . ما گفته ایم و باز هم می گوئیم ، سرکوب حزب توده " ایران ، سرکوب حق و عدالت ، سرکوب استقلال و آزادی است . سرکوب شرف انسانی و همه آن چیزهایی است که مردم ستم دیده ایران برای آن بها خاسته اند .

مردم قهرمان ایران!

جمهوری اسلامی ایران با سرکوب حزب توده " ایران ، نقشه ای را که به برزیسنکی مشاور امنیتی کارتر در جهت شکست انقلاب ایران طراحی کرده بود به

اجرا در آورد . با سرکوب حزب توده " ایران ، ضرورت بزرگی بر پیکر انقلاب ایران وارد آمد . مردم زحمتکش میهن ما با نفرت و انزجار با سرکوب حزب توده " ایران روبرو شدند . مردم قیل از آنکه فریب محنمناسازی ها را بخورند ، حکومت را بخاطر ناجوانمردی محکوم کردند . این شکست حکومت ، ادامه منطقی ، دایوری مردم دربار " تمام سیاستهای آن می باشد . شکست حکومت در جلب پشتیبانی مردم از سرکوبگری ننگین خود ، یکبار دیگر رشد آگاهی و بلوغ سیاسی مردم ما را به نمایش گذاشت و مشت ریاکاران و فرصت طلبان در حکومت را باز کرد . حکومت همه حیثیت و اعتبار خود را در گروی سرکوب حزب توده " ایران گذاشت و جز نفرت و انزجار مردم و ننگ و شرمساری طرفی نیست .

سرکوب ناجوانمردانه حزب توده " ایران ، مخمش و نفرت صعی بشریت ترقیخواه جهان را نسبت به اعلان آن برانگیخت . بشریت مترقی ، یکپارچه علیه فجایعی که در میهن ما می گذرد به اعتراض برخاست . این پشتیبانی فرور انگیز جهانی دست آورد گرانقدر مبارزه ، پیگیر و خستگی ناپذیر حزب در راه رهایی خلق ما و تسلیم بشریت است و بهمان اندازه که برای مردم ما افتخار آفرید ، برای حکومت راستگرای ایران ننگ و تحقیر و شرم ببار آورد .

بشریت مترقی جهان از دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار آن شد که بسا اعزام یک هیئت ناظر بی طرف بین المللی به داخل کشور موافقت کند تا این هیئت در باره چگونگی اخذ باصلاح اقرار از رهبران حزب به بررسی پرداخته و اقرار عمومی ایران و جهان را نسبت به حقایق مربوطه آگاه سازد . این مطالبه خواست مردم ایران نیز بود . سازمان ما نیز هم آواز با مردم ایران و جهان خواستار اعزام چنین هیئتی به داخل کشور شد . اما دولت جمهوری اسلامی ایران به این خواست طبیعی مردم ایران و جهان بی اعتنا باقی ماند . این بی اعتنائی در کنار صدها شاهد تردید ناپذیر دیگر بر شکنجه های وحشیانه رهبران حزب توده " ایران برای اخذ و ضبط به اصطلاح اقرار بر تلویزیونی گسواهی می دهد . واقعیت شکنجه های جسمی و روانی به رهبران حزب توده " ایران مجرژ و میلم است . با اینهمه ما برای چندمین بار ضمن اظهار تنفر و انزجار صعی از سرکوب حزب توده " ایران و شکنجه رهبران و اعضای آن ، یاد دیگر پشتیبانی موکد خود را از این خواست بر حق مردم ایران و بشریت ترقی خواه جهان اعلام می داریم و یادآوری می کنیم که امتناع دولت جمهوری اسلامی ایران در پاسخ مثبت به این مطالبه میهنی و جهانی او نظر مردم ایران و جهان به معنی صحت دایوری آنسها در باره ارتکاب جنایاتی است که دولت جمهوری اسلامی ایران مسئول مستقیم آن می باشد .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یاد دیگر اعلام می دارد که تصمیم خود سرانه و غیر قانونی مقامات قضائی کشور را در مورد انحلال حزب توده " ایران بی اعتبار می شناسد ، دستور مقامات قضائی و انتظامی را دایر بر اینکه اعضا " و هواداران حزب توده " ایران که گاهی جز هوادای از انقلاب ندارند ملزم هستند خود را به مقامات انتظامی ، معرفی و نام و نشان رفقای خود را هم به آنها تسلیم کنند یک اقدام خود سرانه غیر قانونی و ضد انقلابی می شناسد . ما همه مردم ایران و جهان ، همه کارگران و زحمتکشان و همه نیروهای مدافع انقلاب را دعوت می کنیم که از طریق بسیج افکار عمومی در مقیاس سراسر کشور و جهان و با موج اعتراض توده های علیه این جنایاتی که در کشور ما صورت گرفته است پهاخیزند ، تا حکومت را مجبور کنیم به خواست بحق مردم مبنی بر اعزام هیئت ناظر بی طرف بین المللی و محاکمه علنی کلیه رهبران و اعضای بازداشت شده حزب که می باید با حضور هیئت ناظر بین المللی ، نمایندگان خبرنگارریها و مطبوعات ایران و جهان و مردم در دادگاههای واجد صلاحیت کشور ما صورت گیرد . موافقت کند . نباید اجازه داد در خمیانی که علیه انقلاب و مردم ما این جنایات را مرتکب شد ماند بخود اجازه دهند در پشت درهای بسته شکنجه گاه ما این جنایات خود را پنهان و صدیق ترین فرزندان خلق ما را ناپدید کنند .

امروز از عده ترین وظایف انقلابی ما ، دفاع از حقانیت راه و آماج های بزرگ حزب توده " ایران و مقابله بی امان با موج فریب و ترور و سرکوب توده های است . ما از همه نیروهای مدافع انقلاب از همه آزاد بخوانان و میهن پرستان واقعی و هر آنکه به شرف و وجدان انسانی پایبند است ، از هر مرام و مسلک و مذهب میسر ، طلبیم که در مخالفت با فجایعی که در کشور ما صورت می گیرد فریاد اعتراض خود را رسا تر سازند .

کارگران و زحمتکشان ایران! نیروهای انقلابی و ترقیخواه!

جمهوری اسلامی ایران در کنار زندان و شکنجه و میدان های تیر ، با تمام نیرو در این راه می کوشد که حزب توده " ایران را مجموعه ای ناهگون " رهبران جاسوس و خائن " و هزاران جوانی که فریب این " رهبران " را خورد مانند معرفی کند . ۳۰۰ سال پیش ، در ۲۸ مرداد سال ۲۲ ، کودتاگران آمریکایی همین ترسند بقیه در صفحه ۱۱

سیاست ضد توده‌های و شوروی ستیرانه، روی دیگر...

بقیه از صفحه ۱

اگر به این اقدامات تهاجمی، کوششهای " صلح ستیزانه " امپریالیسم آمریکا و متحدان ناتوئی اش، هر چه مشتعل تر نگاه داشتن کانون های تشنج در لبنان و منطقه، ادامه جنگ خانمان برانداز ایران و عراق، اعلام حضور هسر لحظه در صورت بسته شدن تنگه هرمز، تشکیل نیروهای کماندوی اردنی، که مأموریت مداخله در هر کشوری که امر حمل و نقل نفت را مختل سازد، به عهده دارد، بیفزائیم، منظره روشن و بقدر کافی نگران کننده‌ای از اوضاع جهان، پیشتر چشم خواهیم داشت .

در این میان سردمداران چ ۱۰، همچنان به " کارهای " امپریالیسم پسندانه خود مشغولند و نه تنها درصدد تدارک دفع خطرانی که از اعمال سیاستهای تجاوز گرانه آمریکا، کشور ما را تهدید می‌کند، بر نیامده‌اند، بلکه با " خلع سلاح " کردن انقلاب، به شیوه شاه سلطان حسین، به پیشواز امپریالیسم می‌شتابند، تا آنچه مردم ما، با خون و هستی خود بدست آورد مانده، " دودستی تقدیم او کنند " .

" خلع سلاح " کردن انقلاب، که در واقع وظیفه اصلی " ستاد براندازی انقلاب ایران "، مستقر در مرکز جاسوسی آمریکانسیا - است، امروز مراحل نهایی خود را طی می‌کند. اجرای این " وظیفه " فاجعه بار از دو سو دنیال می‌شده، ولی یک هدف پیش رو داشت و بدست عالمین واحدی - عمدتاً راستگرایان و تسلیم - طلبان - نیز به مرحله اجرا در آمده

سرکوب حزب توده، ایران، پیگیریترین مداخله منافع انقلاب و زحمتکشان ایسران که افشاکاری های تعیین کننده‌اش، امکان پیاده کردن " توطئه‌های براندازی " امپریالیسم را، عملاً از میان بر می‌داشت از یکسو و تیره کردن روابط سیاسی - اقتصادی چ ۱۰ با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی، یعنی تنها مداخلگان جهانی انقلاب ایران در عرصه بین‌المللی، از سویی دیگر، هدف شوم " خلع سلاح " کردن انقلاب را به مرحله اجرا در آورد .

هنوز مردم ایران و نیروهای مؤمن به

آماجهای بنیادین انقلاب ایران، " دستور - العمل برزینسکی " را از خاطر نبرد مانده که به وزارت خارجه آمریکا امر کرده بود:

" لازم است جو سوء ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره برداری قرار داد " .

" رئیس‌جمهور (کارتر و فعلا ریگان) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد " .

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست، که موفقیت توطئه‌های آمریکا و اجرای خط برزینسکی و تأثیر آن در تفرقه نیروهای انقلابی و تقویت نیروهای ضد انقلاب، تنها و تنها از " پرکت " دامن زدن به جو ضد توده‌های و شوروی - ستیزی ممکن شد و پس!

سردمداران چ ۱۰ که " دین " خود را به " مستضعفین "، بکلی فراموش کرده‌اند - هر چند هنوز هم برای خالی نبودن عریضه، اینجا و آنجا از آن دم می‌زنند - و تنها و تنها به ادای " دین " در قبال امپریالیسم پرداختند - و از این رو نیز " دستور العمل " برزینسکی " را، مو به مو به مرحله اجرا گذاشتند - چگونه می‌خواهند و می‌توانند با تهاجمات روز افزون امپریالیسم، به مبارزه برخیزند؟! چگونه می‌خواهند و می‌توانند، به ادعای دروغین خود در دفاع از ایران در مقابل یورشهای تدارک دیده و برنامه ریزی شده امپریالیسم - جامعه عمل ببوشانند؟

چگونه می‌خواهند و می‌توانند میهن و انقلاب بی‌رقی شده، ما را از حلقه محاصره و تجاوزات افسار گسیخته امپریالیسم، بیرون آورند؟! نادیده گرفتن این واقعیت، که با شعار های " مرگ بر توده‌های "، " مرگ بر شوروی "، نمی‌توان با امپریالیسم آمریکا به مبارزه برخاست، بلکه درست برعکس این شعار آن روی سکه، همکاری با امپریالیسم است، چشم پوشی بر حقیقتی است که انقلاب ما را شکست خواهد کشاند .

جان دست!

هم اکنون

و نیز در جهانی دیگر
به تاریکی يك خاطره
و روشنی يك نگاه
ترا دیدم!
لبانت بی‌لبخند
چشمانت خندان
و در قلبت ستاره‌ای
پر نور

در تلاطم بود .

از رد خونی
که زمانی، در بحث
رگهای پیشانی‌ت را به تپش و می‌داشت
به دستانت .

نگریستم!

در آنها، نان نبود
کتاب نبود
و نیز نه قلم
نه اسلحه!
در آنها، جان تو بود
سوخته و کز داده
و تو داشتی
- مثل يك صبح تازه -
سیم خاردار آری را
که گلولی شد گل سرخ مرا،
- ما را -
می‌فشرده!

من گفتم:

دستانم را ببین!
خالی از هر چیزی است،
و فقط جان دارد!

ب امید

بیانیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه ۱۰

رذیلتان را برای در هم شکستن نهضت مقاومت ملی و خرابکاری در جنبش کارگری و کمونیستی ایران بکار بستند . ۳۰ سال امپریالیست ها، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و چکمه پوشان و مشاطه گران کاسه لیس آنها در کنار زندان و شکنجه و میدانهای تیراگر تهنمت و افترا و جعل و اکاذیب و هرگونه تحقیر و دناست که می‌توانست اصلت و حقانیت حزب توده، ایران را مورد تردید قرار دهد، توده‌ها را آلودند . اما تاریخ اثبات کرد که تلاش های آنان مذبحخانه بود . رژیم آمریکایی کودتا با همه چکمه پوشان و قداره بندان و مشاطه گران کاسه لیسش به گورستان تاریخ سپرده شد اما حزب توده، ایران باقی ماند و از آزمونهای تلخ و شیرین تاریخ سرفراز و رشید قدر بافراشت . این بار نیز حق بر باطل پیروز خواهد بود . در این هیچگونه تردیدی نیست، حق با توده‌های میلیونی مردم و آرانهای رهائی بخش آنان است و حزب توده، ایران به خلقهای قهرمان ایران تعلق دارد و

از مبارزه توده‌های میلیاردی کارگران و زحمتکشان ایران و جهان در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم نیرو و حیات می‌گیرد .
حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران و پرچم ظفر نمون آن در نقش پیروزی انقلاب و رهائی کارگران و زحمتکشان ایران است . پرچم ظفر نمون حزب توده، ایران بر پام میهن در اهتزاز باد .

مردم قهرمان ایران! کارگران و زحمتکشان! نیروهای ضد امپریالیست، مردمی و ترقیخواه میهن! به صفوف حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) بپیوندید . متحد شویم! در دفاع از انقلاب بپاخیزیم!

آغاز چهل و سومین سال حیات پر افتخار حزب توده، ایران، حزب طراز نون طبقه کارگر ایران، بر مردم قهرمان ایران، بر کارگران و زحمتکشان ایران، بر همه نیروهای ضد امپریالیست، مردمی و ترقیخواه میهن و برای همه توده‌ها و فدائیان خلق، بخجسته و مبارک باد .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۵ بهرمراه ۱۳۶۲

در هفته ای که گذشت:

خطر مداخله امپریالیستها خطر موهومی نیست!

مداخله کشورهای امپریالیستی در امور داخلی کشورهای منطقه خاور میانه و نزد یک روز به روز جنبه گسترده تری به خود می گیرد . در هفته ای که گذشت مردم جهان شاهد نمودارهای جدیدی از تلاش امپریالیسم آمریکا در زمینه تشدید وخامت اوضاع جهانی و گسترش تدارکات جنگی آن بودند . امپریالیسم آمریکا گامهای جدیدی در راه مداخله نظامی و اقدامات توطئه گرانه و تحریک آمیز در تمامی مناطقی جهان از گرنادا تا لبنان به منظور سرکوب جنبش های رهایی بخش و اعاده منافع از دست رفته خود، بر می دارد .

در روزهای اخیر، ریگان طی نطقی اعلام کرد: " حضور آمریکا در کشورهای مختلف جهان برای حراست از منافع آمریکاست و در این رابطه منطقه خاور میانه برای آمریکا و متحدینش اهمیت حیاتی دارد ."

این اظهارات گستاخانه ریگان بویژه تأکید او بر مواضع خصمانه امپریالیسم نسبت به ملل منطقه خاور میانه، آشکارا نشان می دهد که مداخله نظامی امپریالیستها در منطقه خاور میانه و خلیج فارس جز برنامه های سیاسی و نظامی امپریالیستهاست .

از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا، همساری و همکاری دیگر امپریالیستها را نیز در این مداخله به همراه دارد و بنا بر آخرین اطلاعات منتشره در روزنامه ها علاوه بر استقرار ناوگروه رنجس و ۲۰۰۰ تنگدار آمریکایی در حوضه خلیج فارس، ناو هواپیما برآنتر پرایز از سوی آمریکا و ناو هواپیما برآیونسی بل از سوی انگلستان رهسپار خلیج فارس شده اند .

گسترش مداخله امپریالیستها و ظارت وسیع مردم منطقه به بهانه های گوناگون، چیزی جز تقویت ارتجاع منطقه، گسترش پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه، ایجاد محیط رعب و وحشت، و سرکوب ملل مترقی منطقه نیست!

اثرات شوم این سیاست

ادامه جنگ بی سرانجام و خانمان برانداز ایران و عراق بار دیگر فاجعه آفرید! در روزهای اخیر مردم بی گناه بیجهان هدف موشکهای رژیم صدام قرار گرفته و ۹۴ تن از دانش آموزان معصوم این شهر کشته و صدها نفر زخمی شدند . قربانیان این جنایت عظیم، نمونه ننگین سیاستهای ارتجاعی دو کشور را بار دیگر آشکار ساخته و نشان می دهد که اداه این سیاست که پل مداخله امپریالیستها را هموار می

کند، جامعه بحران زده دو کشور را به ورطه شکست می کشاند و چیزی جز فقر روز افزون و محرومیت برای مردم دو کشور به ارمان نمی آورد .

استیضاح وزیر کشور

مدای از نمایندگان مجلس پنجشنبه هفته گذشته وزیر کشور را در موارد زیر استیضاح نمودند:

" عدم اجرای قانون بنیاد مهاجرین جنگی، مسئله واگذاری اراضی شهری توسط شهرداری تهران، عدم اجرای قوانین احزاب و شوراهسا، حمایت و انتصاب به سمت جدید یکی از اعضاء اخراجی شورای مرکزی جهاد سازندگی وهم چنین شهرداری شیراز، مشکلات استانی خوزستان و برخورد نامطلوب با نمایندگان مجلس، نمایندگان مجلس با طرح این سئوالات در واقع وزیر کشور ج ۱۰۱۰ را، که از پر مسئولیت ترین وزرای دولت است، زیر علامت سوال می برند و اعلام می کنند، که وی بجای پاسخگویی به سئوالات آنها، برخورد نامطلوبی با نمایندگان مجلس از خود نشان می دهد .

آیا فهرست سئوالات مردم از وزیر کشور به همین چند پرسش خاتمه می یابد؟ - با صراحت می توان گفت: نه!

مگر نه این است که همین وزارتخانه، بسا ایجاد گروه های ضد خلقی مسلح که کاری جز اذیت و آزار مردم ندارند، تشدید جو رعب و وحشت در خیابانها و کوچه پس کوچه های شهر های کشورمان را باعث شده اند؟ گروه هایی که به خود حق می دهند به هر خانهای وارد شوند، و مال و اموال مردم را غارت کنند، آنها را مورد ضرب و شتم قرار دهند، روسری بانوان را یا پونس به پیشانی آنها بکوبند تا موی شان از زیر روسری بیرون نیاید!

مگر نه این است که وزارت کشور، به جای رسیدگی و اجرای قانون احزاب، به وحشیانه ترین شکل با همکاری دیگر ارگانهای ضد خلقی ج ۱۰۱۰، احزاب و سازمانهای مترقی و دیگر اندیش را سرکوب کرده و دهها هزار نفر را روانه زندانها ساخته است؟

و باز مگر همین وزارت کشور نیست، که خود باعث رواج فساد و ارتشاه و باند بازی در تمام ارگنان ادارات دولتی شده است و ایسن تنها به یک یا دو استانداری و شهرداری و فرمانداری مختص نیست؟

و باز مگر... آیا کارنامه سیاه وزارت کشور به همین موارد محدود می شود؟! زحمتکشان ایران در تجربه خود، جواب این پرسشها را منفی یافته اند و اعتقاد دارند که عامل اصلی فلاکت کنونی نه فقط یک یا دو وزیر، بلکه کل حاکمیت ج ۱۰۱۰ و ارگنان اجرایی آن - دولت و شخص رئیس جمهور -

است . آنها خواستار استیضاح نه فقط یک یا دو وزیر، بلکه تمام دستگاه دولت و حاکمیت ج ۱۰۱۰ هستند!

ناشیگری نماینده نظرن!

سید احمد کاشانی نماینده نظرن در جلسه صبح روز پنجشنبه مجلس استخوانی ایراد کرد که بیانگر تلاش نمایندگان سرمایه داری بزرگ، برای سلب مسئولیت از دولتی است که با سیاست ضد ملی و ضد مردمی خویش، و کرنش در برابر امپریالیسم، انقلاب ایران را به متجرباب تا بودی کشانده است .

وقتی نماینده نظرن، که خود از مدافعین نظام اقتصادی سرمایه داری است از نقش مخرب فکر طبقاتی، علی الخصوص در اقتصاد کشور، یعنی از برنامه علمی حزب توده، ایران، برای دستیابی به آماجهای اصلی انقلاب سخن می گوید، و خواستار مبارزه قاطع با آن می شود، در واقع ناشیگری به خرج می دهد! وی می گوید:

" متأسفانه در میز گرد های حزب توده تا کنون از نقش ایدئولوژیک و سیاسی تبلیغاتی آنها در ارتباط با مسائل کشور، که ما در اعلامیه ها و نوشته های آنها دید ایم، سخنی به میان نیامده تا مردم ما به نقش مخرب فکر طبقاتی، علی الخصوص در اقتصاد کشور پی برده و مسیر آینده را بطور صحیحی ترسیم و طی نماید ."

تمامی تلاش و دغدغه بر پاکنندگان ناشیاتی تلویزیونی " این بوده است که در این میز گرد ها، درست همین نکته سکوت گذاشته شود . چرا که طرح و ارائه هر اصل و ماده ای از برنامه حزب توده، ایران، شاهد انکار ناپذیر مردمی بودن آنست . هر اصل و ماده ای از برنامه حزب توده، ایران نشان می دهد که توده های آنها تنها و تنها، در راه فراهم ساختن شرایطی مناسب برای بهروری و سعادت زحمتکشان میهن خود گام بر می دارند و از منافع آنانست که به دفاع برخاسته اند و به همین جسم هم تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفته اند و برخی، زندگی حماسه آفرین خود را، به پای همین آرمانها و اجرای همین برنامه ها، نثار کردند . از سوی دیگر تهیه کنندگان این " سریال های تلویزیونی " که نوجه های با جیره و مواجب راستگرایان و تسلیم طلبان " استغفار طلب " در برابر امپریالیسم هستند و " القای مبارزه بسا کمونیسم " را از سازمانهای جاسوسی سیا و اینتلیجنت سرویس آموخته اند، می دانند که طرح و ارزیابی برنامه، حزب توده، ایران و انطباق آن با روند اسارتیاری که اکنون و " بطرز صحیحی ترسیم و طی " شده، جز رسوایی روز افزون و جبران ناپذیر، میرای سردمداران حاکمیت ج ۱۰۱۰، بیار نخواهد آورد . زیرا، دهر شدن کامل آنان را از آماجها و وظایف اصلی انقلاب و خواستها و نیازهای مردم زحمتکش ما به روشنی آشکار می سازد .

سخنان دیگر نماینده نظرن در رقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

مجلس شورای اسلامی، به نوبه خود افشاگر موضع طبقاتی وی نیز هست؛ و ایشان سپس به مسئله حمل و نقل اشاره می‌کند و از توقف کشتی‌های پر از آهن و لاستیک و برنج و گندم و غیره در بنادر جنوب سخن می‌گوید و به دفاع از هشتی کامیوند ار که به پر کردن کیسه‌های گشاد خسود مشغولند بر می‌خیزد و می‌گوید:

"عده تصصیر به گردن دولت ج ۱۰ است که بازار داخلی را از لوازم و قطعات یدکی خالی نگه داشته و با اتخاذ سیاستهای غلط و مغرضانه که شرح آن طولانی است، هر روز سنگ جددی جلوی چرخ حمل و نقل قرار می‌دهد." و سپس به شکوایه کامیوند اران و کارآزادان سرمایه‌دار به رئیس‌جمهور به عنوان مرجع حل مشکلات این عده از چپا و لگران مردم اشاره می‌کند و می‌گوید:

"اینجانب نیز به عرض جناب آقای خامنه‌ای می‌رسانم که در نظام ج ۱۰ حق است که به شکوائیه عسده کثیری از زحمتکشگان (!!!) جامعه بعد از مدت‌ها درگیری با متجاوز به حقوقشان رسیدگی شود. علی‌الخصوص که ملاحظه می‌فرمائید چیزی جز سود و استقلال کشور را دنبال نمی‌کنند."

وی سپس با اشاره به باند حاکم بر حمل و نقل کالاهای می‌گوید:

"متأسفانه حمل و نقل بصورت يك اهمرم سیاسی در دست عده‌های درآمده و آنگاه سخنان برادر مبارز عسگر اولادی " را که " سقوط کرده، به شهادت می‌گیرد که می‌گوید: "وظیفه وزارت بازرگانی خریدن بموقع گندم است و رساندن بموقع گندم است و رساندن به موقع به بندر ایامادی رودی، اما اسکله دادن به کشتی یا ندادن در اختیار مباح نیست کامیون دادن به کشتی یا ندادن در اختیار ما نیست. ما هیچ لنگی در مورد خریدن و رساندن به بندر نداریم، اما به هر دلیل اسکله بماند ندادن یا سه اسکله گندم را به يك اسکله گندم تبدیل کردند. در يك اسکله گندم گشت توان تخلیه را کامیون دادند. وقتی ناقابل از جانب شصاها اعلام می‌کنند که ما فکر برنج ماه رمضان را کردیم، این يك فکر تو خالی نبوده و برنج تهیه شده بود، برنج به بنادر ایسران رسیده بود، اما اسکله کامیون، به دلیل اولویت‌هایی که برای دستگاه خودش دارد، به ما ندادن. من در آنجا هیچ اظهار نظری نمی‌کنم، چون کسی نیست که اگر من صحبت کردم مرا رد کنند یا جواب بدهد. شما بپرسید چند کشتی برنج چه موقع به بندر رسید و چریان تخلیه آن چه بوده است؟"

ناطق سپس ادامه می‌دهد که چگونه دو روز پس از "سقوط" عسگر اولادی جهست اولویت عوض شده و ۵ کشتی برنج به اسکله

بسته شده و به سرعت تخلیه می‌شود. آنچه از سخنان بالا آشکار می‌گردد، مبارزه باند های حاکم در مراکز متعدد تصمیم‌گیری چیزی جز مسابقه بر سر غارت مردم، مسابقه بر سر کسب قدرت بیشتر و مبارزه جهت رساندن حریفی از صحنه نیست که هنوز به تمامی خواست های آنها پاسخ داده نشده.

بدیهی است که نه آقای عسگر اولادی، نه آقای رئیس‌جمهور و نه نخست‌وزیر و نه هیچ‌کس دیگر از وضعی که خود بوجود آورد مانده زیان نمی‌بیند، بلکه تنها مردم زحمتکش ما، کارگران و دهقانان هستند که باید برنج را کیلویی ۱۲۰ تومان، چای را کیلویی ۱۰۰ تومان، نان و قند و سایر مواد اولیه زندگی را به قیمت های کمر شکن بخرند و از داشتن کوچکترین امکانات زندگی هم محروم باشند.

کارگران صبر کنید! انشاء الله قانون کار بتصویب می‌رسد

آقای وزیر کار و امور اجتماعی در نخستین جلسه شورای عالی کار که در روز دوشنبه هفته گذشته تشکیل شده، با اشاره به تدوین قانون کار جدید از جمله چنین گفت:

"مسئله قانون اسلامی کار از اهم مسائل است و امیدوارم هر چه سریعتر مورد بررسی قرار بگیرد زیرا این امر می‌تواند گام موثر و بزرگی در حل مشکلات باشد."

آقای وزیر کار هنوز پس از گذشت ۵ سال از انقلاب، کارگران میهنمان را به صبر دعوت کرده و تنها با يك "اظهار امیدواری" به زعم خود شانه خود را از زیر بار مسئولیت خالی می‌کند و به آرام کردن کارگران می‌پردازد.

آیا مسئولین وزارت کار ضد کارگری ج ۱۰ که در تمام مدت پس از انقلاب فقط وعده داده و کارگران را به صبر دعوت کرده‌اند، تا کنون حتی در يك مورد هم از سرمایه‌داران خواسته‌اند که "کمی صبر کنند" و تا تدوین قانون کار جدید "کارگران را استعمار نکنند؟" آنها را بیمه کنند، آنها را از کار اخراج نکنند، زنان کارگر را مجبور به انجام کارهای سخت نکنند؟ کودکان کم سن و سال را به کار نگیرند و مورد استثمار وحشیانه قرار ندهند؟ آیا چنین حرف‌هایی از طرف این آقایان پسه سرمایه‌داران زده شده است؟ کارگران میهنمان در راه پیروزی انقلاب، حفظ دستاوردهای آن و تحقق خواست‌های به حقشان از هیچ کوششی فروگذار نکرده، همه مشکلات را تحمل نموده و ۵ سال صبر کرده‌اند. در عوض سرمایه‌داران در پناه حاکمیت ج ۱۰ و عدم وجود قانون کاری انقلابی، که بتواند جلوی غارتگری آنها را بگیرد، سرمایه خود را چندین برابر کرده و يك لحظه هم صبر نکرده‌اند!

در تمام مدت پس از انقلاب، عدم وجود قانون کاری انقلابی، بهترین شرایط را برای سرمایه‌داران آماده نمود تا با توسل به قانون کار شاهنشاهی هر طور که خود "صلاح" می‌دانند کارگران را مورد استثمار قرار دهند.

آقای وزیر کار نمی‌گوید که چه کسی هنوز

پس از گذشت ۵ سال، در مقابل تهیه و تنظیم قانون کاری انقلابی ایستاده است. در واقع وی و دیگر هفتکار نشان به خوبی می‌دانند که نیازی به چنین قانونی ندارند. آنها مدت‌هاست که همان قانون کار شاهنشاهی را در عمل بکار گرفته و دست سرمایه‌داران را برای غارت باز گذاشته‌اند.

با تکیه بر همین قانون است، که خواست‌های کارگران مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد؛ کوچکترین صدای حق طلبانه آنها در نطفه خفه می‌شود؛ سازمان‌های صنفی و سیاسی شان سرکوب و دفاترشان به غارت برده می‌شود؛ کارگران فعال از کار اخراج، زندانی و تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار می‌گیرند؛ نشریات کارگری که مبارزات کارگران را بازتاب می‌دهند توقیف و مسئولین آنها روانه زندانها می‌شوند؛ و ...

و بالاخره در میان جوشان تناقض کمونیستی و ضدتودهای، هر فردی که سخنی از منافع کارگران بر زبان آورده، به اتهام "توطئه‌های فدائی و مجاهد از صحنه خارج می‌کنند."

آیا هنوز می‌توان سخن از تدوین و اجرائی قانون کاری انقلابی بوسیله حکام ج ۱۰ به میان آورد؟ کارگران مبارز کشورمان با تجربه ۵ ساله خود در زیافته‌اند، که حاکمیت مدافع کلان سرمایه‌داران، بزرگ مالکان برای تحقق خواست‌های آنها کوچکترین قدمی برنخواهند داشت. آنها تنها با تشکیل و تقویت سازمان‌های صنفی و سیاسی مستقل خویش می‌توانند از حقوق خود دفاع کرده و به مبارزه متشکل با سرمایه‌داران و حاکمیت‌های آنان بپردازند.

دفاع آشکار راستگرایان از شرکت‌های امپریالیستی

کوشش‌های لیبرال‌ها و محافظ مخالف برقراری مناسبات با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنان جاسوسان و جیره‌خوران امپریالیسم که مدارک رسوائیشان از جاسوسخانه آمریکا در تهران کشف شد. در اوایل انقلاب هنوز از یادها نرفته است، موانع صنفی‌ای که این نیروها بر سر اجرای پروژه ذوب آهن ایجاد کردند، نمونه بارز این کوششها بود. اکنون که چرخش به راست در حاکمیت ج ۱۰، به تمامی صورت گرفته و راستگرایان، مواضع محکمی در حاکمیت بدست آورده‌اند، بی‌پروا تر از پیش به میدان آمده‌اند، تا در امر اندک روابطی که مسئولان ج ۱۰ با کشورهای سوسیالیستی برقرار می‌کنند، اختلال وارد سازند.

سخنان آقای زوارهای در مجلس گواه این ادعاست:

آقای سید رضا زوارهای، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی مورخ سوم آبان‌ماه ۱۳۶۲، سئوالی پیرامون مناسبات اقتصادی ج ۱۰ و بلخارستان و بویژه قرار داد خرید نفت لیبث تراک از این کشور خطاب به وزارت صنایع سنگین مطرح ساخت. وی در پرسش خود، ضمن حمله به این مناسبات و قلب کردن بقیه در صفحه ۱۵

انتخابات و اصلح

شکنتی است به درخواست بی‌رقاننه آنهاست که با تسلیم شدن به راست و بدل شدن به سرچمدار سرکوب حقوق و آزادی های دموکراتیک مصرحه در قانون اساسی ، با روبر تافتن از خلق و از خواست او برای تحقق عدالت اجتماعی ، پر و بال ریختند و هر روز پاسخ های شایسته تری را دریافت می‌کنند!

آقای سرچمدار سازش بین راستگرایان و تسلیم طلبان بی‌رق ، که اکنون به عنوان سخنگوی آنان صحبت می‌کند - نه بخاطر "راضی کردن دل" سخن می‌پراکند، بلکه با صراحت یک نماینده جریان راست حاکم، و از موضع قدرت و با تعیین حد و سازش برای انتخابات با "امام" خود صحبت می‌کند و پیوسته از انتخاب () آن کسانی که می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند، "همانند" مجموعه‌های معظم و محترم و چهره‌های درخشان روحانی در جامعه مدرسین قم ، جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه‌های روحانیت های مبارز در سراسر کشور " برای جور کردن "جنس" ، به سراغ "مجموعه‌های غیر روحانی" ای نیز می‌رود که "می‌خواهند در خط امام حرکت کنند" و اعلام می‌دارد، که "ما" (راستگرایان حاکم برج ۱۰) "آماده هستیم، که با همه آنها که در مقابل برنامه ایران بر بادده ما سر تعظیم فرود آورند" با تفاهم ، با صفا ، با برادری ، با انتخاب معیارهای مشترک الهی و اسلامی (!) این بار سنگین و بسیار مهم انتخابات را بر دوش بکشیم و برداریم !

در این سخنان جا و مفهوم "معیارهای الهی و اسلامی" کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی روشن است!

- این معیارها ، زیر پا گذاشتن اصول مرفقی قانون اساسی و روح مردمی آن است ؟

- این معیارها استثمار بی‌بند و پارکسلان - سرمایه داری و بزرگ مالکی است ؟

- این معیارها باز گذاشتن دست امپریالیست ها در غارت ثروت های ملی میهن ما و غارت زحمتکشان است ؟

- این معیارها سیاست شهری ستیزی و توده - ستیزی ای است که زیر سر پوش شعار "نه شرقی ، نه غربی" ، اما برای تکمیل کردن کنسرت ناهنجار "جنگ صلیبی" ، ضد کمونیستی دنیا ی غارتگر سرمایه داری اعمال می‌شود .

آری! برای راستگرایان هنگام آن فرا رسیده است که از موضع قدرت لیست انتخاباتی مسورد نظر خود را به تسلیم طلبان تحمیل کنند!

و ما به عنوان بی‌گترین مدافعان منافع و حقوق زحمتکشان میهن مان می‌پرسیم :

آیا زمان آن فراترسیده است که تعام انسان های شرافتمند، آن مسلمانان مبارزی که هر روز بی‌رق تر به دنبال جریان راستگرا و تسلیم طلب کشیده می‌شوند، راه خود را با روشنی جدا کنند و با صراحت و جسارت در کنار مردم ، مسیرای سازماندهی نبرد ظفر نمون خلق علیه ضدانقلاب و راستگرایان ، به تشکیل جبهه متحد خلق کمک کنند ؟

هیچ وجه!

درست برعکس، این سخنان برای تحکیم مواضع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی حاکم برج ۱۰ ، برای تداوم روند بازگشت به دامن امپریالیسم ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر زبان رانده می‌شود! جملات بعدی آقای " مسئول حزب" برج ۱۰ ، اگر چه تحت عنوان "راضی کردن دل امام" مطرح می‌شود، در واقع پاسخ دندان

بقیه از صفحه ۱
شیرین ترین و موفق ترین شکلی، که دل امام را راضی کند " انجام دهند!

این وعده های " مسئول حزب" ۱۰ ، را نباید به عنوان تعهد او به مثابه رئیس جمهور برای تأمین شرایط قانونی یک انتخابات آزاد تصور کرد، انتخاباتی که در آن دفاع از مصالح عالی انقلاب بر باد داده شده و منافع پایمال شده زحمتکشان میهن ما مطرح باشد .

بزرگ مالکان و فتودالها باز گشته اند...

بقیه از صفحه ۶

چشمگیری کرده است. این تجربه ارزنده انقلابی، سرآغاز تعمیق مبارزات طبقاتی با کیفیت نوسن است، که باید از آن در عرصه عمل سود جست و به مقاومت دهقانان در برابر یورش نیروهای راستگرا وسعت و انسجام تازه ای بخشید .

در این مرحله از مبارزات دهقانی تشکلهای دهقانی نقش ارزنده و برجسته ای را ایفا می‌کنند . به اتکا به تشکلهای موجود و با رشد و اعتلای آنها ، تحت هر نامی که باشد، باید به رشد این مبارزات افزود و راه حوکامل و واقعی روابط استثمار گرانه را در روستاها باز و هموار کرد . دهقانان ایران در طول پنج سال نبرد انقلاب با ضد انقلاب بخوبی و بدرستی درک کرده اند، که خوشبختی و سعادت آنها فقط در محیطی تحقق می‌پذیرد که دیگر نام و نشانی از بزرگ مالک ، خان و مباشر نباشد . دهقانان به

درستی درک کرده اند، که با بازگشت بزرگ مالکان شرایط زندگی آنها بدتر از دوران سیاه رژیم سلطنتی خواهد بود، زیرا بزرگ مالکان آنها را مجبور خواهند کرد تا تاوان دوره کوتاه آزادی نسبی خود را به سختی بپردازند . از سویی دیگر آنها طعم شیرین تولید بدست خود، بر روی زمین خود و برای سعادت خانواده خود را در طبل دوران کوتاه آزادی نسبی چشیده اند و می‌دانند که رسیدن به آزادی واقعی اهم ممکن و هم عملی است . از اینروست که با بازگشت بزرگ مالکان مبارزات طبقاتی در روستاها پایان نمی‌گیرد، بلکه وارد مرحله ای تازه می‌شود، که با شکل اتحاد همه نیروهای مدافع زحمتکشان و بسویژه با اتحاد بین دهقانان و جلوگیری از تفرقه و جدائی به پیروزی نهائی خواهد رسید . آینده متعلق به زحمتکشان است .



در مراسم تشییع جنازه دهقان مبارزی که پست فتودالها شهید شده است

فشار علیه دانشجویان در خارج از کشور اشکال جدیدی می یابد

حاکمان ج ۱۰۱۰، بمنظور محدود کردن فعالیت های سیاسی - اجتماعی دانشجویان خارج از کشور، شیوه های جدیدی بکار می گیرند. "راه توده" بارها سیاست و روش های اعمال فشار و تضییق در حق دانشجویان خارج از کشور را افشا کرده و نقش "وزارت علوم" و "اداره تخلقات" آن وزارت خانه را که به جای تسهیل در کار دانشجویان، به سنگ اندازی در امور آنان مشغولست، نشان داده است. در همین رابطه، بسیاری از خوانندگان "راه توده" نامه هایی برای ما ارسال داشته اند که همگی از افزایش این تضییقات و تهدیدات علیه دانشجویانی که با سیاست حاکم بر میهن ما موافق نیستند، حکایت دارد. این دوستان در نامه های خود، ضمن توضیح مواردی که به خودشان مربوط می شود، اکثر نامه های والدینشان را نیز ضمیمه کرده اند تا ژرفای چرایی که در حال تکوین و گسترش است نمایانتر گردد. چنانکه از مفاد این نامه ها برمی آید وزارت علوم، در جهت قطع ارز تحصیلی این دانشجویان، "فعالانه" می کوشد! هر روز دامنه این تلاش را گسترش می دهد.

یکی از خوانندگان "راه توده" نوشته است "اداره تخلقات" از والدین وی خواسته به فرزند خود توصیه کنند تا در نامه های ضمن شرح مفصل فعالیت هایش، ابراز ندامت کند. در مواردی از دانشجویان خواسته می شود از "انجمن های اسلامی" نامه اخلاق بگیرند و آنرا برای "اداره" تخلقات ارسال کنند تا "ارز" به آنان تعلق گیرد!

دانشجویانی که در کشورهای آسیای تحصیل می کنند در معرض فشارهای شدیدتری قرار دارند. آنان علاوه بر تحمل دشواری های ناشی از قطع ارز تحصیلی، همواره با خطر

ضرب و شتم افرادی که به ضویت در "انجمن های اسلامی" مشهورند مواجهند. در مواردی حتی خانواده های این دانشجویان به "جرم" داشتن پیوند خانوادگی با آنان، مورد تهدید و فشار قرار می گیرند؛ تلفن و محل سکونتشان کنترل می شود و رفت و آمد هایشان تحت نظر است. دانشجویان دختری که در این کشورها تحصیل می کنند، علاوه بر همه اینها، بدلیل طرز لباس پوشیدن، هتک حرمت و فحاشی ایس افراد که اکثرًا از اوباشان چاقو کش پیرامون سفارت هستند، روبرو می شوند.

تمام گزارشات حاکی از آن است که مقامات مسئول "در وزارت علوم و دیگر ارگانهای مربوطه بجای هر کاری، تنها در صدد یافتن شیوه های جدید برای اعمال فشار و گسترش فعالیت های تضییقی در خارج کشورند. آنان با موافقت و حتی دستور سردمداران ج ۱۰۱۰ به همان روشهایی متوسل می شوند، که رژیم شاه، توسط "ساواک" علیه دانشجویان انقلابی و فعالتهای افشاگرانه آنان در خارج از کشور مورد استفاده قرار می داد.

سردمداران ج ۱۰۱۰ در نظر دارند با اعمال این فشارها، دانشجویان انقلابی و پیشرو را از فعالیت های سیاسی باز داشته و به امر افشای خیانت های آنان به آرمانهای انقلاب بهمین و مردم زحمتکش میهن، خدشه وارد سازند. ما به خوانندگان "راه توده" توصیه می کنیم، باز هم موارد اعمال فشار و تضییقاتی که از طرف "مقامات مسئول" ج ۱۰۱۰ در حق آنان صورت می گیرد برای ما بنویسند تا با درج آنها در "راه توده" یکی دیگر از ابجاسد سیاست های راست گرایان حاکم در میهنمان را برای افکار عمومی جهان و ایران افشا کنیم.

نامه خوانندگان

● رفیق عزیز ف ۰، از مادرید، مقاله ای که در رابطه با اوضاع شیلی برای "راه توده" فرستاده بودید رسید. به موقع از آن استفاده خواهیم کرد.

● دوست عزیز از کراچی، شعری که به تاریخ ۲۷ خرداد سروده و برای ما ارسال کرده بودید، بدست ما رسید. این شعر، "بایبیت مرغانی بود پیم زند رسته به همت خویش" آغاز می شود.

● دوست عزیز، هزار سال شمال، شعری که به نام زندگی - سروده و برای ما ارسال داشته اید به دست ما رسید. با درود های فراوان به شما، پشتکارتان را می ستائیم.

● دوست عزیز "کسرا" سه قطعه شعر شما "در بامداد"، "به اختران" و "پیشواز" که برای ما ارسال داشته بودید، رسید. به شما توصیه می کنیم با مطالعه بیشتر متون قدیم ادبی و اشعار کهن و نو، سطح اشعارتان را بالا ببرید. پشتکارتان چنین اجازهای به شما می دهد.

● رفیق عزیز خسرو - از ایتالیا، اشعار شما، به نامهای "مطمئن باش" و "از توده بپتوده ها" و "شکوفه های دیگر" به دست ما رسید.

"توده های زاده شده در بطن توده ها" و هیچ ترنمندی قادر نخواهد بود، توده های را از مردم جدا کند.

نامه ای را که ضمیمه کرده بودید خواندیم. نظردان را در باره اشعارتان برای شما خواهیم نوشت.

● دوست عزیز از گوتینگن - نامه انتقادی شما در مورد مطالب و مقالات "راه توده" رسید. از دقت و بسر خورد نقادانه شما نسبت به روزنامه ها، متشکریم.

دوون شرح

حزب عیش و عزای

"... حزب (جمهوری اسلامی) برای مردم، یک مرجع باشد و به درد دل مردم برسد، توی دل مردم باشد. فقط در مراسم عیش و عزای نباشد..." (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ۱۱ مهر)

مرجع تقلید ملحد!

"... از دیر باز مسأله حلال و یا حرام بودن ماهی های خاویار، مورد بحث بوده است. اما در گذشته کارگران شیلات یعنی روسها، به علت ارزش غذایی و پروتئین فراوان این نوع ماهی، مسأله حرام بودن آن را مطرح کردند، تا دست مسلمانان کشورمان را از این ماده غذایی بیرون بکشند... (معاون امور شیلات کیهان ۱۵ شهریور)"

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۳

بعضی واقعیت های پیرامون این قراردادها، برقراری آنها "غیر قانونی" تلقی نمود و اعلام کرد که گویا این قرارداد "به زیان منافع ایران" بوده است. وی ضمن حمله به انعقاد این قرار داده به دفاع از برقراری قرارداد های نظیر آن با یک شرکت انگلیسی پرداخت و پسرای استدلال کردن "دفاع" خود مدعی شد که "در قرارداد منعقد شرکت انگلیسی هست که بهر صورت، مملکتی که در آن مونتاز انجام میشود روزی به خود کفائی برسد و شروع به ساخت آن کالا بکند."

طبق آماری که از سوی مراجع رسمی دولتی در ج ۱۰۱۰ منتشر شده است، بیش از ۸۰ درصد مناسبات اقتصادی و تجاری ج ۱۰۱۰ با کشور

های امپریالیستی غرب و کشورهای تابعه آنان انجام می گیرد و بخش بسیار ناچیزی از این مناسبات به کشورهای سوسیالیستی اختصاص دارد. اما همین "اندک" هم که به شهادت آمار و ارقام ارائه شده از سوی وزیر صنایع سنگین در همین جلسه، علنی مجلس پسود منافع ملی ایران و "بیت المال مملکت" است - مذاق راستگرایانی که می خواهند ایران را به بازار پر رونق امپریالیستی و میدان تاخت و تاز انحصارها بدل کنند، خوش نمی آید. از همین روست که "نیات واقعی" خود را پشت "دفاع" از تأمین خود کفائی "مملکت پنهان" می کنند؛ هر تجربه ۲۵ ساله مردم ما خط بطلان می کشند؛ این تجربه که هیچ شرکت امپریالیستی، نمی تواند و نمی خواهد ایران - و کشورهای نظیر - را به استقلال اقتصادی و "خود کفائی" برساند. بدین منظور نیز به حریهای متوسل می شوند تا ماهیت این مناسبات را در گونه جلوه دهند.



هفتمین روز اعتراض ملی در شیلی

در هفتمین روز اعتراض عمومی علیه رژیم دیکتاتوری فاشیستی پینوشه در شیلی، هزاران تن در گردهم آییها و راه پیمائیها شرکت کردند. این مبارزات در سانتیاگو پایتخت شیلی و شهرهای بزرگی نظیر کنسپسیون و والپارایسوسو داشته و سیعتری داشت. یگانهای تاندان مجهز و مسلح پلیس با خشونت بی اندازہ زیاد به تظاهر کنندگان حمله کردند. دهها تن زخمی و صد نفر دستگیر شدند.

در سانتیاگو، مقابل قصر "لامندا" اقامتگاه دولتی و در دانشگاه برخوردها بسیار شدید بود. بر اثر تیراندازی پلیس، شش دانشجو به شدت زخمی شدند. در برابر "لامندا"، همسران زندانیانی که در دوران دیکتاتوری فاشیستی "ناپدید" شده اند دست به راه پیمائی زدند و خواستار اطلاع از سرنوشت شوهران خود گردیدند. پاسخ رژیم فاشیستی البته گاز اشک آور و ماشین آب پاش و باتوم پلیس بود. ردولفو سگونل رهبر کارگران که به همراه گروهی از رهبران اتحادیه ها عازم وزارت کشور بودند تا اعلامیه ای مبنی برخواست کارگران را تسلیم مقامات این وزارت خانه کنند، در میان راه مورد هجوم قرار گرفتند.

تروریزم تبدیل به سیاست رسمی

دولت آمریکا شده است

نمایان شدن ریگان، رئیس جمهور آمریکا، بر صفحه تلویزیون برای توجیه تجاوز بشیرمانه علیه گرناده، دلیل دیگری برای اثبات این واقعیت به دست داد که تروریزم در مقیاس بین المللی تبدیل

به سیاست رسمی دولت آمریکا شده است. این امر را در سالهای اخیر، تجاوزه های آشکار و پنهان امپریالیسم آمریکا علیه افغانستان، لبنان، نیکاراگوئه و السالوادور هم ثابت کرده بود. از نقطه نظریگان، هر کشوری که سیاستش موافق میل دولت آمریکا نباشد می تواند هدف اعمال خرابکارانه نهانی یا تجاوز آشکار نظامی قرار گیرد. و این چیزی نیست بجز سیاست کشتی های تهدید در دوران استعمار و سیاست ترور و شانتاژ دوران امپریالیسم که به بهانه "صدر تمدن" و "برقرار کردن دموکراسی" و "حقوق بشر" انجام می گیرد.

احزاب بزرگ پاکستان حاضر به مذاکره با دولت نیستند

بزرگترین احزاب مخالف در پاکستان اعلام کردند که تا تعیین تاریخ قطعی انجام انتخابات عمومی و برقرار شدن مجدد قاننون اساسی سال ۱۹۷۳ از هرگونه گفتگو با رژیم ضیا الحق امتناع می نمایند.

رئیس "جنبش برقراری دموکراسی" اعلام کرد: گفتگوهایی که میان ضیا الحق و رهبران تعدادی از احزاب مذهبی و دست راستی صورت گرفت، هدفی جز این نداشت که در شرایط گسترش ناخشنودی در میان توده های خلق، اغتنام فرصت کند و تدارک هجوم به مخالفان را ببیند.

اکثریت اهالی پاکستان پافشاری می کنند که حاکمیت بلافاصله بدست غیر نظامیان سپرده شود و آزاد بهای دموکراتیک برقرار گردد.

در پاسخ به این خواسته های قانونی، رژیم پاکستان اقدام به ترور آشکار علیه هواداران "جنبش برقراری دموکراسی" و شرکت کنندگان در کارزار "عدم اطاعت" کرده است.

اسلام آباد پایتخت پاکستان، اینروزها شبیه یک اردوگاه بزرگ نظامی شده است. برای دفاع از "دولت نظامی" یگان های بزرگی از ارتش را در نقاط مختلف شهر مستقر کرده اند.

شکست کوشش برای "دلاریزاسیون"، در اسرائیل

بقیه از صفحه ۴

درگونی موجب افزایش چند درصد بیکاری و چندین درصد تورم و گرانی خواهد کرد. بد تحقیق این نقشه مصرف کنندگان را اسیر برنامه "ترخ بندی آزادانه" قیمت ها می کرد که برای دولتی مانند اسرائیل که دارای منابع تولیدی داخلی نیست، بمعنی وابستگی مطلق به بازار خارجی و بویژه بازار آمریکا است.

اتحادیه های صنفی و کارگری مخالفت خود را با این برنامه اعلام کردند و توده های مردم واکنش خود را با خشم آتشین بیان داشتند.

البته نمی توان گفت که این کوشش برای تبدیل آشکار و علنی اسرائیل و دولتش به زائنده ایالات متحده آمریکا، ابتکار شخصی وزیر دارایی بوده است.

"دلاریزاسیون" خواست دولت آمریکا است اما فعلا گناهان را به گردن آقای "آریدر" گذاشته و او را قربانی کردند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در مادرید (اسپانیا) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

۱۰۰۰ مارک از محل درآمد حاصله از فعالیت های انقلابی در تظاهرات "صلح" اشتوگارت

الف ۰۰۰ از سوئد
زهرا از سوئد ۲۰۰ کرون
مجید از سوئد ۲۰۰ کرون

RAHE TUDEH

No. 66

Friday, 4 Nov. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:

West-Germany	1 DM	England	30 P.
France	3 Fr.	Belgium	22 Fr.
Austria	8 Sch.	Italy	600 L.
		U.S.A.	40 Cts.
		Sch. Sweden	3 Skr.



برای آبنوه شدن "راه توده" در خارج از کشور، فرم زیر را پر کرده و به همراه رسید بانکی (بهای اشتراك) به آدرس پستی زیر ارسال نمائید:

آدرس پستی:

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

حساب بانکی: Postscheckamt
6000 Frankfurt
Konto Nr. 633 97 - 602
Bankleitzahl 50010060

بهای اشتراك: سه ماهه معادل ۲۵ مارک
شش ماهه ۵۰
یکساله ۱۰۰

آدرس: